

سال دوم دوره دوم

رنجبر

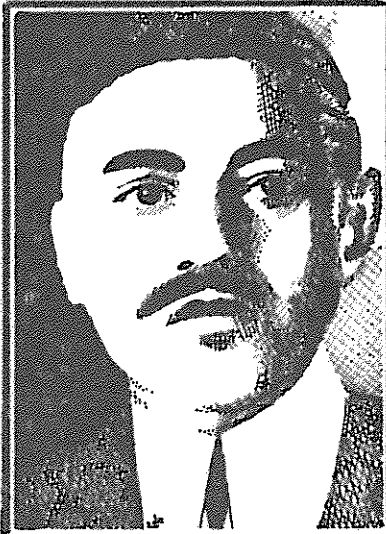
ارگان حزب رنجبران ایران

سه شنبه ۳ تیرماه ۵۹ شماره ۶۸ تکمیل ۱۰ ریال

شصتمین سالروز ایجاد حزب کمونیسست ایران

سخنرانی
رفیق علی صادقی
عضو کمیته
مرکزی حزب
رنجبران ایران

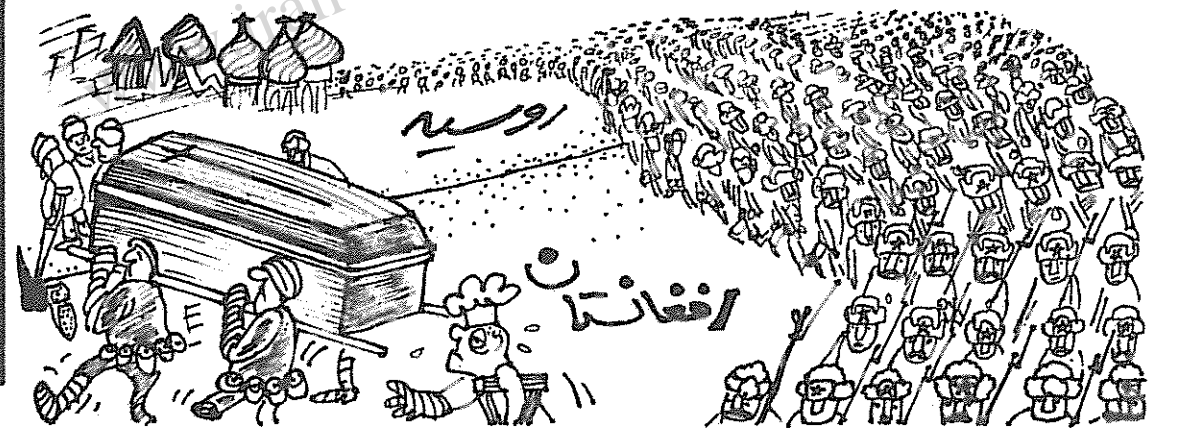
نخستین گنجره حزب کمونیست ایران در تاریخ یک تا ۳ تیر ۱۳۹۹ در شهر
انزلی برگزار گردید. اگرچه حزب کمونیست توسط رژیم رضاخانی منهدم
گردید، لکن راه و درسهای آن در طول این شصت سال همواره روشنی بخش
مبارزه کمونیستهای ایران بوده است. حزب رنجبران ایران سالروز ایجاد این
نخستین ستاد رهبری کننده پیکار رنجبران ایران را به همه کمونیستها و به
طبقه کارگر و خلق قهرمان ایران تبریک میگوید.
به این مناسبت رفیق علی صادقی، عضو رهبری حزب ما، سخنرانی ای در
تاریخ ۳۰ خرداد در محل خانه تهران حزب ایراد نمود. در صفحه ۴
این شماره رنجبر درج شده است.
سید در صفحه ۲



افسانه خروج
قوای شوروی
یا واقعیت ورود
قوای تازه نفس
به افغانستان؟

همزمان با تشکیل کمیته دائم
کنفرانس وزرای خارجه اسلامی در مورد
حل بحران افغانستان در ژنو و در
آستانه تشکیل نشست سران کشورهای
صنعتی در ونیز، تزارهای نویسن
کرمین حبله جدیدی ترتیب داده و
دروغ جدیدی شایع کردند، این
دروغ که شوروی دارد نیروهای خود را
از افغانستان خارج می کند.

روسیه دروغ میگوید



اشغالگران روسی، درحالیکه
کلیه خبرنگاران خارجی را برای
سربوش گذاشتن بر روی جنایات خود
از افغانستان اخراج کرده اند و در
حالیکه مانع بررسی و تحقیق هرگونه
هیات خارجی میشوند، فیلمی را از
تلویزیون مسکو پخش کرده اند که در
آن گویا خروج بخشی از قوای روسی
از افغانستان نشان داده میشود و بر
این اساس و قبحانه ادعا کرده اند که
امیدوارند اکنون دیگر شبههای در
مورد صحت ادعای آنها باقی
نماند.
بقیه در صفحه ۶

درباره رهبری غاصب
سازمان چریکهای فدائی

دمکراسی
در کارخانه
و رابطه آن
با تولید

اجتماع کارگران «کارخانجات
تولیدی ساکا» در نخست وزیری
نماینده کارگران را
آزاد کنید!

کارگران "کارخانجات تولیدی
ساکا"، بمنظور اعتراض به بازداشت
نماینده خود آقای احمد رضا کریمی
حصاری از طرف دادستانی تهران و
پس از ۲ هفته مبارزه و اعتراض به این
اقدام غیرقانونی به مقامات مربوطه،
در روز یکشنبه اول تیرماه جلوی
ساختمان نخست وزیری اجتماع نموده
و با حفظ نظم انقلابی خواستار آزادی
نماینده خود و همچنین
کارخانه ساکا شدند.
طبق گزارش خبرنگار رنجبر، پس
از سخنرانی کوتاه آقای بیرحسینی
مساور رئیس جمهور در اجتماع کارگران
و در میان گذاشتن نتیجه مذاکرات
بقیه در صفحه ۲

نشانههایی از تفاهم در حل مسئله فارس به چشم می خورد
به اختلاف بین عشایر
و دهقانان بومی دامن نزنید

بدنبال تلاشهای هیئت حسن
نیت که از طرف رئیس جمهور برای
رسیدگی به مسایل عشایر و درگیری
های اخیر به فارس اعزام شده بود و
در نتیجه تاثیر مثبت کار این هیئت
و حسن نظر طرفهای درگیر، جو
افغانستان در جنگ طلب در منطقه تا
صلح و تفاهم تاثیر منفی می گذارند.
در این رابطه ما به دو نکته اساسی
اشاره می کنیم:
۱- در روزهای اخیر تحریکاتی
که سرچشمه اش هنوز نامعلوم میباشد،
در جریان است که دهقانان فارس
با عشایر در منطقه تا

و عشایر زحمتکش یکی از پایه های
اصلی تحکیم صلح در منطقه است.
۲- در جریان درگیری های
اخیر فارس عده زیادی از عشایر به
دلایل مختلف و در بسیاری موارد
بیگناه دستگیر و زندانی شده اند.
بنابراین...

در مقالات متعددی نشان دادیم که چگونه در کارخانجات و واحدهای تولیدی کشور ستم و اجحافات بیش از حدی بر کارگران زحمتکش ما وارد میشود. این ستمها در زمینههای گوناگون کارورندگی زحمتکشان را شامل میشود: اخراج، تنبیه، جریمه، جوکنترول و ارباب، توهین، زورگوییهای مختلف، تحمیلات بوروکراتیک کارفرماها و سرپرستان و شوراها، فشار و توهین بیش از حد و درخواستهای نامشروع از زنان کارگر و بالاخره سرکوب و همنابینها از مظاهر این ظلم و ستم هستند. مواردی که بر شمرده ایم نشان میدهد که چگونه حقوق دمکراتیک کارگران و زحمتکشان مورد یورش قرار میگیرد. این عدم وجود دمکراسی در محیط تولید، عدم وجود همان چیز است که رهبران انقلاب اسلامی و بسیاری از مسئولین مملکتی آنرا معنویت میگویند.

اینهمه ظلم و ستم در حق کارگران در زمانی موجود است که مسئولین دولتی به درستی صحبت از ضرورت بالابردن تولید میکنند در حالیکه عدم وجود دمکراسی یا معنویت، در تطابق با خواست بالابردن تولید نیست. ما در اینجا به عسل عدم وجود "معنویت" و ارتباط آن با تولید میپردازیم.

وجود اینهمه ظلم و ستم بیش از حد در حق کارگران را نمیتوان با یک معیار طبقاتی مثلا سرمایهداری بودن نظام توجیه کرد چرا که نظام سرمایهداری در غرب حتی با حرکت از منافع خود پی برده که وجود نوعی دمکراسی و رعایت برخی ضوابط و مناسبات دمکراتیک در واحدهای تولیدی تأثیرات بسیار مثبتی به سود تولید بیجا میگذارد و عملا نیز این امر تا حدودی مراعات میکنند، اما ظلم و ستم بیش از حد در کارخانجات کشور ما عجل مخصوص بخود دارد، که عمدتا "ارثیه رژیم وابسته و دیکتاتوری گذشته است. کارگران ماکه از این همه ظلم و ستم رنج میبرند میخواهند علل آنرا بشناسند تا هر چه بهتر بتوان مبارزه کنند. البته، بسیاری ضروری است که مقامات دولتی، سرمایه داران و مدیران و سرپرستان مانیز این علل را بدانند چرا که در شرایط کنونی بهین ما آنها نیز میتوانند و باید تا حدی در رفع این ظلم و ستم قدم بردارند.

مهمترین علل وجود اینهمه ظلم و ستم در واحدهای تولیدی کشور ما بطور خلاصه چنین اند:

- * نظام سرمایه داری ایران یک بقیه در صفحه ۶

رهبری غاصب کیست و چگونه به قدرت رسیده است؟

سیاهه عملکرد رهبری غاصب

این بحث گوشه ای از مسائل مربوط به سازمان را دربر میگیرد و در رابطه با آن باید به دو سؤال مهم پاسخ داد: اول اینکه رهبری جدید کیست و چگونه به قدرت رسیده است. بعد در صفحه ۲

روسها می خواهند شرایط خود را به ایران تحمیل کنند

مفاد پروتکل امضاء شده میان ایران و روسیه باید انتشار یابد

روابط اقتصادی شوروی با کشورهای خارجی امضاء این سند را بعنوان آغاز گسترش همکاریهای اقتصادی و فنی بین جمهوری اسلامی و شوروی اعلام میکند و در عین حال میگوید که: "ما از ابتدا اعلام کردیم که شوروی ها همکاریهای خود را تحمیل نخواهند کرد... و روس نامه مردم ارگان کارگزاران روسی که حرص و ولع زیادی در وابسته کردن ایران به روسیه دارد، این رویداد را بعنوان "آغاز مرحله نوینی در زمینه همکاریهای اقتصادی... معرفی میکنند..."

روابط اقتصادی شوروی با کشورهای خارجی امضاء این سند را بعنوان آغاز گسترش همکاریهای اقتصادی و فنی بین جمهوری اسلامی و شوروی اعلام میکند و در عین حال میگوید که: "ما از ابتدا اعلام کردیم که شوروی ها همکاریهای خود را تحمیل نخواهند کرد... و روس نامه مردم ارگان کارگزاران روسی که حرص و ولع زیادی در وابسته کردن ایران به روسیه دارد، این رویداد را بعنوان "آغاز مرحله نوینی در زمینه همکاریهای اقتصادی... معرفی میکنند..."

بعد در صفحه ۲

سوم تیر ماه

عباس و جنب صنی در مسائل حدودی فروکش کرده و نشانههای تفاهم هم از سوی مقامات مسئول و هم از طرف عشایر بچشم میخورد. ما این گرایش مثبت در اوضاع منطقه را بقال نیک میگیریم و موکداً خواستار ادامه جو تفاهم، جلوگیری از اغتشاش و حل مسایل و مشکلات از طریق مذاکره و شیوه صلح آمیز هستیم. در حال حاضر شاهد بروز یک سری جریان نا سالم در منطقه هستیم که بدون شک در ایجاد شرایط

روسها اکنون که قرارداد امضاء شده آشکارا دروغ میگویند و نقش عوض می کنند زیرا درست در همان روزهایی که هیئت اقتصادی ایران در مسکو بود، در مورد حمایت ایران از مبارزان افغانی و رابطه آن با قرارداد های اقتصادی چیز دیگری میگفتند. خبرگزاری تاس در اولین روز سفر هیئت به مسکو اعلام کرد: "دولت شوروی از زمان گروگان گیری ۵۳ آمریکایی در ایران روش دوستانه ای را با این کشور در پیش گرفته و هنگامی هر چه سریعتر پایان داد و ریشه آنرا خشک نمود. وحدت دهقانان فارس

اساس لیست های تهیه شده همچنان ادامه دارد. این مسئله ناراضی بزرگی در میان عشایر ایجاد کرده است. آنان خواستار آزادی فوری دستگیر شدگان و از بین بردن لیست های تهیه شده هستند. علاوه بر اینکه عده زیادی از افرادی که در اوایل درگیری ها به کوه رفته بودند، اکنون که شرایط حل مشکلات کم کم فراهم میشود، خواهان بازگشت به محل زندگی و پرداختن به کسب و کار خود هستند. اما وجود لیست های اسامی و ادامه دستگیری ها در آنان ایجاد ترس کرده و آنها را از برگشتن به مناطق مسکونی خود باز میدارد. خواست دیگر عشایر ایجاد تامین جانی و قضایی برای اینگونه افراد است.

عناصر و عوامل جنگ طلب بخاطر دامن زدن به اختلافات و ادامه درگیری با این خواستهها مخالفت میکنند. ما از مردم منطقه، مسئولین امور و سپاه پاسداران میخواهیم که جدا به این مسئله توجه کنند. بدیهی است آزادی زندانیان دستگیر شده و ایجاد تامین بسیاری کسانی که به کوه رفته اند، به هیچوجه بمعنی نفی تعقیب، دستگیری و مجازات خائنین، ساواکی ها و عمال ضد انقلاب نمی باشد. اینگونه عناصر که به درگیری های اخیر وسیعاً دامن زده و آتش افروزی میکنند بسایند قاطعانه قلع و قمع شوند. اما اولاً باید میان این عده که بسیار قلیل و گروه

بعد در صفحه ۲

سالروز شهادت ملک المتکلمین و جهانگیر خان صور اسرافیل



جهانگیر خان صور اسرافیل

روز سه تیر سالروز شهادت میرزا جهانگیر خان صور اسرافیل و میرزا نصرالله خان ملک المتکلمین، دو تن از مبارزان سرسخت و آشتی ناپذیر نهضت مشروطه خواهی به دست درّخیمان محمد علی شاه است. رژیم استبدادی وابسته محمد علی میرزای قاجار که از استقرار حکومت مشروطه و برپایی مجلس شورای ملی و وجود آزادی در کشور دلخوشی

بعد در صفحه ۴



ملک المتکلمین

در این شماره:

- تا کسی را نان و مشکلات آنها در صفحه ۶
- اعتراض کارگران کفاش تبریز به زورگویی واسطهها در صفحه ۳
- به اوضاع نابسامان کارخانه "قند ذر فول" فوراً رسیدگی کنید در صفحه ۳

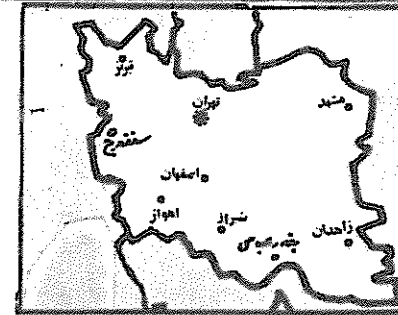
خلق (۲)

ارگان سیاسی - تئوریک حزب رنجبران ایران منتشر شد

در این شماره:

- * کدام نظم؟
- * بانده گستر - نگهدار:
- از رگوعتا سجود در مقابل سوسیال - امپریالیسم
- * جهان سوم انقلابی و تواناست
- * گرایش خطرناک در سازمان مجاهدین
- * مسئله دهقانی در انقلاب ایران

گزارشات شهرستانها



نامه حزب رنجبران ایران (بخش گیلان) به سپاه پاسداران استان گیلان

اجازه بدهید صمیمانه دروهای خود را بمناسبت سوم شعبان، روز پاسدار که مصادف با ولادت مبارز شهید بزرگ اسلام، امام حسین بن علی است ابراز کرده و برای سپاه گیلان موفقیت‌های بیشتری را در پاسداری از انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی آرزو کنیم.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌منابه یکی از نهادهای اصیل انقلابی ما از بطن انقلاب اسلامی جوشید و بخاطر پاسداری از انقلاب و دستاوردهای آن در مقابل دشمنان انقلاب اسلامی بویژه ابرقدرت‌های آمریکا و روسیه و عمالشان در میهن ما، سازماندهی شد. پاسداری از انقلابی که ثمره خون بیش از ۷۰ هزار شهید و رنج‌ها و محرومیت‌های میلیون‌ها هم وطن است افتخار بزرگی است که بر دوش شما نهاده شده که مطمئنیم با یقین بر خط نه شرقی، نه غربی و استقلال، آزادی جمهوری اسلامی با سرفرازی تمام شایسته آن خواهید بود.

در ادامه انقلاب اسلامی میهنمان بر رهبری امام سپاه باید کماکان برای استقلال میهن از هرگونه سلطه خارجی بویژه ابرقدرت‌های شرق و غرب، آزادی برای خلق و سرکوب ضد انقلاب عدالت اجتماعی برای مردم بویژه زحمتکشان شریف میهن مبارزه نماید. از اینرو سپاه، پاسدار این سه اصل خلق بوده و تنها با یقین بر اجرای آنهاست که در انجام وظایف خطیر خویش موفق خواهد شد.

در اوضاع حساس کنونی کشور، سپاه مورد حمله دشمنان گوناگون انقلاب از یکسو و منحرفین چپ نما و مسلمان نما از سوی دیگر قرار گرفته است و دشمنان انقلاب تلاش میکنند تا در صفوف سپاه اخلاص بوجود آورند، آنرا رویاروی مردم قرار دهند، آنرا از خط اصیل نه شرقی، نه غربی و تمرکز آتش حمله بر روی آمریکا و روسیه بمنابه دشمنان اصلی انقلاب اسلامی ایران، منحرف کنند از اینرو در این شرایط حساس بیش از هر زمان یقین بر وحدت درونی سپاه بر اساس مبارزه با امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی، هماهنگی با دیگر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، مبارزه با رخنه عناصر منحرف اهمیت داشته و سپاه با تصفیه این عناصر و اصلاح سبک کار برخی از عناصر صلب و ولی ناآگاه، موفق خواهد شد پیوند خود را با توده‌های مردم بمنابه پشتگاه و پشتوانه خویش مستحکم تر کند و توطئه‌های جدا کردن سپاه از مردم را درهم شکند.

حزب رنجبران ایران (بخش گیلان) بمنابه گردانی از انقلاب، خود را در پاسداری و ادامه این انقلاب اصیل استقلال طلبانه و مردمی با شما شریک دانسته و آماده است تا در مقابل هرگونه تجاوز امپریالیست‌ها بویژه امپریالیسم آمریکا و سوسیال - امپریالیسم شوروی بباک میهن ویا اخلاص نوکران بومی آنان علیه انقلاب اسلامی، دوش بدوش شما بدفاع از میهن عزیزمان برخیزد.

زنده باد انقلاب اسلامی ایران بر رهبری امام خمینی
مرگ بر امپریالیسم آمریکا و سوسیال - امپریالیسم شوروی و عمال بومی شان

حزب رنجبران ایران (بخش گیلان)
۱۳۵۹/۳/۲۶

خبرنگار برآودا اطلاعات کسب می کند

طبقه اطلاعات واصله خبرنگار، روزنامه برآودا با اجازه رسمی وزارت

بقیه درباره رهبری غاصب ...
از صفحه ۱

دوم اینکه خط مشی و عملکردهای مشخص این رهبری چگونه بوده است بدنبال روشن شدن شکست مشی چریکی در اواخر عمر رژیم گذشته، بویژه پس از ضربه مهرباد (شهید شدن حمید اشرف)، سازمان دچار تلاشی تشکیلاتی شده و تنها عده معدودی از اعضای سازمان در هسته‌های پراکنده و به حالت غیر فعال باقی مانده بودند. کادرهای اصلی سازمان همگی شهید شده و بقایای آنها در زندان بودند. با اوچگیری مبارزات انقلابی خلقهای ایران به رهبری امام خمینی و شکسته شدن سیستم اختناق و زندانها، بسیاری از جوانان و روشنفکران متمایل به چپ، به استقبال سازمان فدائیان رفتند، چرا که سازمان در گذشته با دادن دهها شهید و مبارزه سازش‌ناپذیر با رژیم (بعکس سران خائن حزب توده) و انجام عملیات مسلحانه، احساسات انقلابی گری روشنفکران را برمی‌انگیخت و در آن زمان بیشترین محبوبیت را دارا بود. حتی بغلت نبودن اطلاعات کافی در عصر خفقان، برای بسیاری از جوانان تنها سازمان "کمونیستی" موجود سازمان چریک‌های فدایی بود. سازمان احمدزاده ها، پویانها، اشرفها و نابدلها.

بلافاصله پس از پیروزی قیام بهمن ماه، سازمان به شکل نیمه علنی شروع به تجدید تشکیلات و در واقع احیا کرد. (ستاد دانشکده فنی و سپس خیابان میکده). تشکیلات جدید که بیشتر خودبخودی بود تا سازمان یافته، مورد استقبال وسیع دانشجویان و روشنفکران متمایل به چپ قرار گرفت. سیل آنان گروه گروه روانه تشکیلات فدائیان شدند! بطوریکه تا چندماه بعدنیز، مسئولین سازمان بغلت فقدان کادر، قادر به سازماندهی زنان نبودند (به اعتراف خودشان). در چنین آشفته‌بازار تشکیلاتی و طبعاً "تئوریک"، رهبری جدید سازمان به قدرت میرسد. گروه مشخص بوجود می‌آید: ۱- زندانیان سیاسی آزاد شده؛ این جناح که در زندان به "نظامی‌کارها" معروف بودند در ابتدا تحت نفوذ و هدایت نظریات جزئی قرار داشتند، اما در یکی دو سال قبل از انقلاب، بغلت شکسته شدن دکم برستس مبارزه چریکی، بخشی از آنان که کادرهای با تجربه فدایی نیز در میانشان بودند به "سیاسی‌کارها" پیوستند (که بعداً "خط چهارم از

بعلاوه برای بسیاری از کادرهای سازمانی روشن بود که پس از پیوستن "گروه منشعب ... به حزب توده بقایای انشعاب نکرده آنها و روابطشان در درون سازمان هنوز موجود است. از طرف دیگر از همان ابتدا توده‌های کهنه کار سابق "دوستان" سازمان در تماس نزدیک با سازمان قرار داشتند و دارند. روشن بود که در کنار این رهبری جدید که وارث خون شهدا و افتخارات فدائیان کشته بود جایی برای کادرهای قدیمی ضد رویزیونیست وجود نداشت و دیر یا زود چون اشرف دهقانی با وجود تمام انحرافات "چپ" می‌باید کنار گذاشته شوند.

در رابطه با سؤال دوم ما به تفصیل درباره چگونگی چریکی "خط روسی" بر سازمان فدائیان سخن گفته‌ایم. اینک تنها نگاهی به چگونگی عملکرد سیاسی این رهبری غاصب می‌اندازیم. عملکرد سیاسی رهبری جدید (که اکثرین عمدتاً توسط "اکثریت" نمایندگی میشود) ناشی از رویزیونیسم و بی‌تجربگی سیاسی آنها بوده است. این عملکرد سرشار از ایوریونیسم (فرصت طلبی) راست و چپ و پراکندگی (دنباله روی از وقایع) میباشد.

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، سازمان جدید تحت تأثیر جنبش عظیم توده‌های نام‌های به امام خمینی نوشته و رهبری او را تأیید می‌کنند. اما کمی پس از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، چرخش "چپ" سازمان، فرصت طلبانه آغاز میشود: گرفتن موضع منفی نسبت به رفاندم، اخلاص در ارتش، شرکت فعال در برخوردهای اولیه گنبدو کردستان، که همه با گرایش به شعار "سرنوشتی رژیم انجام میشوند.

نگاه پس از، از دست دادن ستاد علنی خویش و احساس فشار توده‌ها علیه خود، فدائیان به راست گردش کرده و مبارزه خود را برای گرفتن "آزادی‌های دمکراتیک" محدود میکنند. آنها حتی طی نامه سرگشاده‌ای از مهندس بازرگان "لیبرال" تقاضای مبارزه علیه انحصارطلبی رامیکنند. لیکن پس از اشغال لانه جاسوسی آمریکا، فدائیان دوباره به "چپ" می‌چرخند و فریاد "مرگ بر لیبرال و سازشکار" را سر داده و از لزوم ریشه‌کنی سرمایه‌داری بطور کلی سخن می‌گویند! اینبار آنها خطاب به بازرگان می‌گویند: "نهضت آزادی، این جریان سازشکار افشاء باید گردد!"

بهر حال زیگراگها ادامه می‌یابند. از فروردین ۵۹ بازم کردگی به "چپ" انجام میشود.

بر چیدن دکه‌های نوار فروشان تنها خیل بیکاران را بزرگتر میکند

بینندگان تلویزیونهای شوروی و کویت و دیگر کشورهای مرزی افزایش یافت و... و به این ترتیب زمینه رشد فرهنگ امپریالیستی که از لحاظ ذهنی بازگشت امپریالیسم و ارتجاع را فراهم میکند، آماده گشت.

با این اوصاف روشن است که برای مبارزه با فرهنگ امپریالیستی باید بیش از هر چیز به خلاقیت و سازندگی فرهنگی و هنری پرداخت. کاری که تاکنون به میزان بسیار ضعیف صورت گرفته است. ممنوع کردن و جمع کردن نوارها، بستن و تخریب نوار فروشی هادردی را درمان نمیکند. مسئولین خوبست بجای کار منفی بیشتر به کار مثبت، خلاق و سازنده بپردازند.

گذشته از این، تجربه نشان میدهد که این قبیل اقدامات اداری حتی در رسیدن به اهداف کوتاه مدت خود موفق نخواهند بود و مسلماً این بازم مانند ماجرای تحریم سیگارهای خارجی، بسا افزایش قیمت نوارهای مبتدل و بازار سیاه و بیره برداری سودجویان مواجه خواهیم شد.

از اینها که بگذریم بر چیدن بساط نوار فروشان باعث بیکاری هزاران و بلکه دهها هزار نفر از فروشندگان نوار، کارکنان استودیوهای ضبط نوار میشود و این امر در شرایط فشار شدید بیکاری، بازم به دردهای جامعه می‌افزاید، ناراضیاتی مردم را تشدید میکند و به هرج و مرج موجود دامن میزند. بنا بر این می‌بینیم که چگونه یک عملی که حیثاً با قصد و نیت مبارزه ضد امپریالیستی شروع شده به دلیل غیر منطقی و غیر عقلانی بودن آن، بدلیل شیوه هرج و مرج طلبانه اعمال آن و به دلیل بی‌اعتنایی به مسایل و نیازهای واقعی کشور و حسیدن به ظواهر امر، خود به اصل اخلاص در انقلاب و نظم مملکت تبدیل میشود.

بقیه اجتماع کارگران ...
از صفحه ۱

برای آزادی نماینده‌ها و همچنین باز شدن مجدد کارخانه، اجتماع کنندگان که تعداد آنها به ۲۰۰ نفر میرسید با شعارهای درود بر خمینی، درود بر بنی صدر به اجتماع خود پایان داده و بر طبق پیشنهاد یکی از

نتیجه‌های نگرفتیم.
در نتیجه مبارزه کارگران و بیکاری به اعتراض، در همان هفته ۳ نفر از نمایندگان ماکه در دادستانی بودند آزاد شدند. در تاریخ ۲۴-۲۲ خرداد ماه نیز ۲ نفر از مدیریت ۱۰ نماینده دیگر زندان اوین آزاد گردیدند ولی بطریق مختلف با آزادی کریمی

صوبه و صنعت و به حیرت رور هم پروم، با چاره رسمی و زرب
ارشاد ملی مجاز است تا در استانها و شهرهای مختلف ایران (به استثناء
آذربایجان - خوزستان و کردستان) مسافرت نماید و در مورد وضع عمومی
مردم - کمیته ها و وضع کارخانهها با مسئولین امر و مردم مصاحبه نماید و
اطلاعات کسب کنند .

مترجم این خبرنگار در شهرستان اراک فردی بنام راسم - علی اف
است که برای کارشناسان روسی کارخانه ماشین سازی اراک هم مترجمی میکند .

اعلامیه هواداران حزب در خرمشهر

گرامی یادخاطره شهدای راه استقلال ایران
مرز سلمچه در ۵۹/۳/۲۱ شاهد درگیری میان مامورین مرزی رژیم فاشیستی
عراق و مرزبانان دلیر ایران بود در این درگیری یکبار دیگر دوتن از برادران
یاسدارما (عباس اسدی و موسی بختور) در دفاع از مرزهای ایران عزیز جان فدا
کردند . جانبازی و فداکاری این شهیدان راه استقلال میهن در این برهه از زمان
به کسانی که قلبشان برای ایرانی مستقل و آزادی تپید درسهایی گران بها میدهد
شهادت این دو یاسدار از آن جهت دارای اهمیت ویژه است که در شرایط کنونی
از طرفی مرزهای میهن مامورین نهادهای قرار میگیرد و از طرف دیگر نیروهای
سیاسی استقلال طلب در عرصه میهن همچنان با وحدت و زنده خود در مقابل
توطئه های رنگارنگ ابرقدرتهای شرق و غرب و عوامل داخلی شان بهاء لازم را
نمیدهند .

خون این دوتن و هزاران شهید راه استقلال ایران چراغ راهنمایی است
که نشان میدهد چگونه باید از تمامیت ارضی این سرزمین در مقابل هرگونه تجاوز
بیگانه دفاع کرد . خلق بپا خواسته این سرزمین همسانگونه که در پنجشنبه
۵۹/۳/۲۲ در مراسم تشییع این شهدا نشان داد ، شهدای راه استقلال ایران را
چون مردمک دیده عزیز و گرامی دانسته و هرگز خاطره این شهدا را از ذهن خود
محو نخواهد کرد . آنان که در این روز در جنت آباد گرامه بودند بچشم خود
دیدند که خلق قهرمان از فرزندان خود چگونه قدر دانی میکنند . هزاران مشت
گره کرده و هزاران فریاد گویای این حقیقت بودند که راه شهیدان همچنان
ادامه دارد . از هر قطره خون شهدای راه استقلال ایران هزاران لاله خواهد روئید
مشاهدات این دو برادر یاسدار را به عموم همشهریان و سپاه پاسداران و
خانواده آنها تبریک و تسلیت گفته و تداوم پرشکوه انقلاب را در تحقق اهداف
آن آرزومندیم .

زنده باد وحدت رزمندگان نیروهای استقلال طلب
هر چه مستحکم تر باد وحدت سه جریان : اسلام مبارز ، ملی گرائی مترقی
و سوسیالیسم انقلابی
نه آمریکا ، نه روسیه ، زنده باد ایرانی مستقل و متکی بخود
۱۳۵۹/۳/۲۴

بقیه روسها میخواستند ...
از صفحه ۱
که آمریکا راهبهای آبی خود را بروی
ایران بست اجازه داد که کالاهای
مورد احتیاج از طریق خاک شوروی به
ایران حمل شود . با اینحال رهبران
اسلامی دخالت شوروی در افغانستان
را محکوم میکنند ! " بعبارت دیگر
آنها با استفاده از ضعفهای اقتصادی
ایران تلاش میکنند که مقاصد سیاسی
خود را به ایران تحمیل نمایند و مانع
از دفاع و پشتیبانی ایران از مبارزین
افغانستان بشوند . آنها پیشروان
دندان تیز خود را به مقامات ایران
نشان دادند و گفتند که اگر با فراتر
بگذارید راه حمل و نقل کالاهای مورد
احتیاج شما را قطع خواهیم کرد ."
آیا این یک تحمیل آشکار نیست ؟
بهر حال امضاء قرارداد در
این سطح گسترده بنفع استقلال ایران
نیست . ما بارها اعلام کرده ایم که
برقراری روابط گسترده با ابرقدرت
روس به زیان استقلال ما است زیرا

پیوسته (نه بعد ، حص چهار از
آنان شکل گرفت) . برخی دیگر تحت
تأثیر کادرهای قدیمی حزب بوده
(چون عمومی) نودهای شدند .
باقی مانده زندانیان سازمان
با وجود اینکه نسبت به نظرات جری
متزلزل شده و با توده ایها سدید
ماشیات میکردند ، خود را وارث
سازمان میدانستند . در میان آنان از
کادرهای درجه دوم فدایی و
هواداران ساده گرفته تا کسانی که
گذشته غیر چریکی داشتند دیده
میشوند . چهره برجسته این گروه فرخ
نگهدار است که در رابطه با گروه
جزنی به زندان رفت .

۲- روشنفکران خارج از کود :
در میان آنان استادان ، شاعران و
نویسندگان سرشناس وجود دارد که
در گذشته همیشه در حاشیه جسی
سیاسی می بلبکندند و پس از انقلاب
بسیوی سازمان پرکشیدند تا رهبری
آنها بدست گیرند ! غالب آنان فاقد
تجربه مبارزاتی مشخص بودند و
زندگی بی بندوبار روشنفکران از
سازره در آنچه فروشیها فراتر
نمیروند ! وجه مشترک این طیف
رنگارنگ روشنفکران دو چیز است :
الف - التقاطی بودن و شبه
مارکسیستی بودن نظرات آنها .
ب- نفوذ فرهنگ رویزیونیستی روسیه
در آنها و نمایشات نمایان روسوفیلی
(روس پرستی) آنان . چهره مشخص
این گروه علی گشتگر است .

البته در کنار این دو گروه
یک گروه سومی هم با چهره بنیان به
بالا می خیزند : عوامل حزب توده !
باند کیانوری که در همان زمان در
ایران تجدید تشکیلات کرده بود ،
برای خوردن سازمان فدائیان که
دارای نظریات ماشیات جویانه نسبت
به سوسیال امپریالیسم بود ، برنامه
می ریخت . این کار با توجه به اوضاع
داخلی فدائیان کارسادهای بود .

بقیه به اختلاف ...
از صفحه ۱
کوچکی هستند و توده وسیع عناصر
تضامین گداخت و در سیاست تعقیب
و دستگیری ، بروی این مشت کوچک
ضد انقلاب نیرو را متمرکز داد و ثانیاً
دستگیری افراد اعم از فتودال ها یا
هر کسی که مستوجب تعقیب است ،
باید اکیدا بر اساس قانون و بدون ار
قدرت طلبی مراکز خود گامه باشد .
همانگونه که در ابتدا متذکر
شدیم ، اکنون نشانه های از تفاهم
در حل مسئله عناصر فارسی بچشم
می خورد . حزب رنجبران ایران با
حرکت از منافع عمومی انقلاب ، صلح
و وحدت در کشور معتقد است که اس

نشریه کار سرآیا حمله به " دولت
حاجی سرآمیدار " و " کشتار کننده
خلقی " میشود . کار " از نفر
آمریکائیان در دولت و سرمایه های
وابسته ، مدارک فراوانی رو میکند
سازمان در درگیریهای خونین کند
نقش فعال دارد ، در برخورد های
دانشگاه " ستاد بیشکام " مرکز اصلی
" مقاومت " علیه رژیم است و بالاخره
در جنگ اخیر کردستان تا سقوط شیر
سندج همه جا در صف اول درگیر بپسا
است . بدین ترتیب بار دیگر سازمان
به " شعار سرنگونی " نزدیک میشود .
اما در حالیکه سازمان تمام
هواداران خود را به سوی چپ
سوق داده است ، ناگهان به سمت
راست میچرخد ! در ابتدا یک جناح
دولت که در گذشته ضد امپریالیست
نامیده میشد به نام " حزب باندهای
سیاه " زیر باران حمله گرفته میشود .
در نتیجه جناح معروف به " لیبرال
سازگار " عملاً تطهیر میشود ! کار
۵۹ صریحاً دولت را غیر وابسته
میخواند و رهبران فدایی با بنی صدر
و بهشتی پنهانی ملاقات میکنند .
(توجه هواداران سازمان را به مطالعه
متن مذاکره آقای بهشتی یا مدنی -
نگهدار چاپ شده در " جمهوری
اسلامی " جلب میکنیم) سازمان در
کردستان به حرب دمکرات نزدیک
شده و خواهان " صلح " میشود .
گرایش که نه بعطت به سر عقل
آمدن رهبری غاصب بلکه غلطیدن
کامل آن بدامان سیاستهای روسیه و
باند کیانوری است . آنچه که در آخر
باید گفت اینست که چنانچه در
گذشته بارها گفته ایم : ریشه اصلی
تمام انحرافات رهبری غاصب کنونی
در بدیش رویزیونیسم و تسلیم آن
به سوسیال امپریالیسم است . در
حالیکه انشعابات کنونی مانند
" اقلیت " عمدتاً به ریشه نبرداخته و
تنها به عملکرد سیاسی توجه دارند .

جو تفاهم همچنان باید ادامه یابد و
با جلوگیری از اغتشاش و هرج و مرج
مسائل و مشکلات از طریق صلح آمیز و
مذاکره حل شوند .
برای نیل به این هدف باید
به خواسته های اساسی و محقانه عشار
هر چه رود تر پاسخ مثبت داد . جنگ
و درگیری مسلحانه باید پایان پذیرد
و دوطرف درگیر در محل استقرار
خوبش باقی بمانند تا از طریق مذاکره
راه حل نهایی تعیین شود . با توجه به
تأثیر مثبت هیئت حسن نیت رئیس
جمهوری پیشنهاد میکنیم که علاوه بر
مساعی مسئولین محلی و استان این
هیئت مجدداً به استان فارسی اعزام
شود و تلاشهای خود را برای حل
مسائل منطقه ادامه دهد .

داده و بر طبق پیشنهادی
نمایندگان تصمیم گرفتند که تا روز ۲
شنبه (دیروز) منتظر نتیجه اقدامات
دفتر ریاست جمهوری بشوند .

گفتگو با سخنگوی کارگران

سخنگوی اجتماع کنندگان به همراه
عده ای از کارگران چگونگی دستگیری
نمایندگان ویی آمدهای آنرا برای
خبرنگار رنجبر بدین شرح بیان نمود :
" در تاریخ ۱۱ خرداد یک نامه از
طرف دادستانی و بامضاء آقای قدوسی
برای مدیر عامل کارخانه ساکی -
فرستند که طبق آن مدیریت کارخانه
۵۵ نفر از نمایندگان کارگران برای
مذاکره در مورد برخی از مسائل کارخانه
به دادستانی دعوت میشوند . پس از
مراجعه بدادستانی بلافاصله کلیه آنها
بازداشت شده و ۴ نفر از آنها از جمله
آقای کریمی حصار به زندان اوین
فرستاده میشوند و ۳ نفر دیگر در
دادستانی بعنوان زندانی موقت
بازداشت میگرددند . سخنگوی
کارگران اضافه کرد : " ما کارگران بر طبق
فرمان امام که در حال جنگ با شیطان
بزرگ هستیم و در محاصره اقتصادی
قرار داریم ، برای جلوگیری از توطئه
دشمنان انقلاب تصمیم گرفتیم که
صبر و نظم انقلابی خودمان را حفظ
نموده و به تولید ادامه بدهیم و به همراه
محکوم کردن این اقدام دادستانی ،
اعلام کردیم که خواستار حل مسئله از
طریق مذاکره هستیم ، به همین دلیل
اعتراضهای بامضاء کلیه کارگران
تعبیه کرده و از همان ابتدا به دادستان ،
دفتر ریاست جمهوری و همچنین به
کلیه روزنامه های پرنیروز فرستادیم و
خواستار آزادی آنها شدیم . مناسبانه
هیچ اقدامی در مورد خواست ما
صورت نگرفت و روزنامه ها هم مسایل
ما را منعکس نکردند . ما حتی حاضر
شدیم به یکی از روزنامه های پرنیروز
۵ هزار تومان بپردازیم که طومار
اعتراضی ما را منتشر کنند و لوسی
بندیدند .

بنابار در روز ۱۷ خرداد ماه در
جلوی دادستانی جمع کردیم و
خواستار آزادی آنها شدیم که آقای
ما صحبت کرده و بجز وعده و وعید

ولی بطریق مختلف با آزادی تریمی
حصاری مخالفت شد .

باز هم بدون اینکه دست از کار
بکشیم خواستار مذاکره شدیم و ۴ نفر
از وزارت صنایع و معادن و انفرینام
آقای شجاعیان که نماینده دادستان و
باز پرس زندان اوین است صحبت
کردیم که نتیجه ای نگرفتیم و آقای
شجاعیان به همراه پاسداران وارد
کارخانه شده و سعی کردند از طریق
تهدید و ارباب کارگران را وادار به
عقب نشینی بکنند .

بالاخره پس از ۲ هفته مذاکره
ناچاراً در ۳۱ خرداد ماه در دفتر
ریاست جمهوری اجتماع کردیم که
متأسفانه بایسته شدن کارخانه مواجه
شدیم که هم اکنون کارخانه تعطیل و
در کنترل پاسداران قرار دارد .
کارگران میگویند که احمد رضا
کریمی ۱۶ سال سابقه کار در این
کارخانه دارد و در زمان رژیم فاشیستی
شاه از کارخانه اخراج و بمدت ۳ سال
در تبعید بسر برده و مورد اعتماد سا
است اما ، حالا او را بدون هیچ جرمی
دستگیر کرده اند .

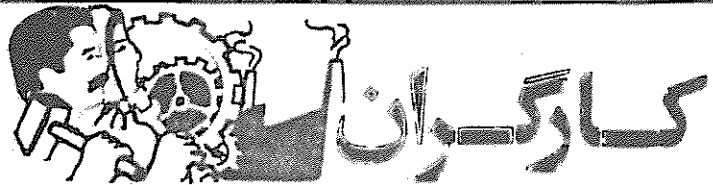
کارگران که از زورگویی و خودکامگی
عده ای بتنگ آمده اند ، میگویند آقای
حاج محمود بورکاطی که ۲۵٪ مالکیت
کارخانه را در دست داشته و اسنادی در
مورد همکاری وی با رژیم سابق بسه
دادستانی داده ایم باینکه او را
دستگیر میکنند ولی متأسفانه پس از
۲۴ ساعت آزاد میشود .

باینکه کارگران قهرمان کشور ما
ستون فقرات این انقلاب هستند و بار
سنگینی مشکلات زندگی بیشتر از همه
بر گردانها سنگینی میکند و به همراه
کلیه مشکلات و رنج کار خواستار
افزایش تولید میباشند ، اما بعطت هرج
مرج موجود و عدم رسیدگی به خواسته های
آنها یک مرکز تولیدی تعطیل میگردد
و بر بار ضایعی موجود دامن میزند .
روشن است که چنین اقداماتی موجب
اخلال در امر پیشرفت اقتصادی
گردیده و به انقلاب لطمه وارد میسازد .
ما خواستار رسیدگی سریع بسه
خواسته های کارگران کارخانجات ساکا ،
هستیم و میخواهیم که مقامات مسئول
هر چه زود تر از رشد این عوامل اخلال
جلوگیری نمایند و به خواسته های
بحق کارگران جواب مثبت دهند .

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

بانک ملی ایران
کتهای خود را
به حساب بانکی زیرواریز نماید : تهران - شعبه خیابان ایرانشهر
شماره حساب ۴۵۳۶۸

اعتراض کارگران کفاش تبریزی به زورگوئی واسطه‌ها



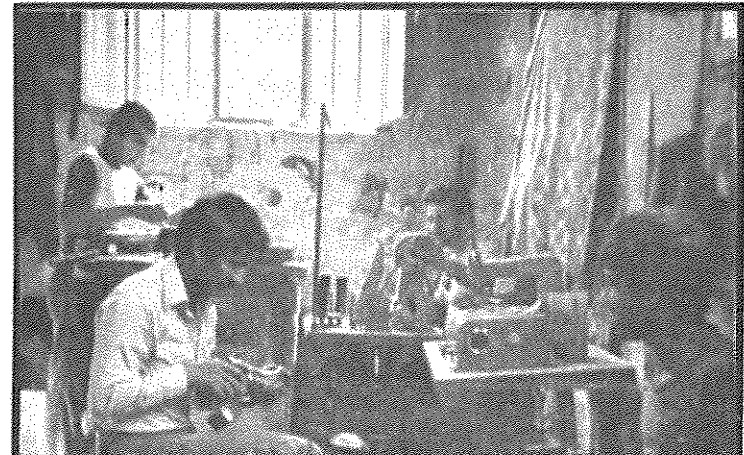
دو منطق ... و دو راه حل :



این نوجوانان، کارگران (کفاشی) دائمی این کارخانه هستند. در شرایطی میبایست به تحصیل مشغول باشند

کارگران و تولیدکنندگان کفاش، باید روی نیروی خودشان، روی وحدت و یک پارچگی و تشکل خودشان حساب بکنند ... آنها باید فکر ایجاد شرکت تعاونی تولید و فروش را قاطعانه دنبال کنند تا دست واسطه‌ها را از سر خود کوتاه نمایند.

در "رنجبر" شماره ۶۴ گزارشی از تولیدکننده‌ها و کارگران کفاش تبریزی چاپ کردیم. در این گزارش به نقش واسطه‌ها در کمیابی و بالا رفتن قیمت اجناس و مواد اولیه اشاره کردیم. اخیراً گزارشی از جریان شکایت نمایندگان کفاش از واسطه‌ها بدستمان رسیده است که آن را در این شماره چاپ می‌کنیم.



عکس کارگاه کوچک کفاشی در تبریز

در این دعوا با دو منطق و دو راه حل روبرو هستیم. منطق و راه حل کارگران و منطق و راه حل واسطه‌ها. کارگران و تولیدکننده‌ها می‌خواهند از سرواسطه‌ها راحت بشوند. آنها می‌خواهند که خودشان یا نمایندگانشان کار خرید مواد اولیه از کارخانه و بخش آن را بدست بگیرند. ولی واسطه‌ها اینطور نمی‌خواهند. آنها می‌خواهند کار خرید و بخش مواد اولیه در دست خودشان باشد تا از این طریق پول مفتی به جیب بزنند. آنها می‌دانند که در حال حاضر کارگران و تولیدکننده‌ها آنقدر سرمایه و امکانات ندارند که خودرا "سا" جنس را از کارخانه خریداری نمایند. بنابراین برای کارگران و تولیدکننده‌ها گریه-رقصانی می‌کنند، احتکار می‌کنند و جنسی را که در اختیار دارند به هر قیمتی که دلشان خواست به آنها می‌فروشند.

چاره کارگران و تولیدکننده‌ها چیست؟

وقتی مسئول سپاه می‌گوید که چون شما پول ندارید پس باید اجازه بدهید که واسطه‌ها شما را بچاپند طبیعی است که کارگران و

واردات "بی.او" از کارخانه را در دست نمایندگان کفاش نمی‌گذارند تا مقدار آن و جریان بخش و قیمت آن معلوم شود؟ در جریان فاکتور، احد ابتکاری کارشکنی می‌کند ... و چون واسطه‌ها به حرف نمایندگان محل نمی‌گذارند، نمایندگان هم اقدام به استعفا می‌نمایند.

در جریان این شکایت، مسئولین سپاه پاسداران به طرفین می‌گویند که خودتان مسئله را در بیرون حل کنید و به ما اطلاع بدهید! بدنبال آن، قرار شد طرفین دعوا بعد از ظهر همان روز در مسجد خسروشاهی جمع شوند. تعداد شرکت کنندگان در آن جلسه در حدود ۱۰۰ - ۱۵۰ نفر میشد. اصغر سپاه در این تجمع شرکت نکرد. شرکت کنندگان منجداً برای این نظر توافق کردند که "بی.او" را یک نفر وارد بکند و بخش و قیمت آن معلوم شود تا بتوان کنترل کرد. در کفکوتی که با چند نفر از تولیدکنندگان و کارگران کفاش در بازار تبریز داشتیم همه در این نظر اتفاق داشتند که بخش و خرید از کارخانه در دست یک نفر باشد. جالب اینجاست که وقتی کارگران پیشنهاد می‌کنند که نمایندگان آنها بخش و خرید از کارخانه را بعهده بگیرند و نمایندگان بخاطر مشکلات مالی این پیشنهاد نمی‌پذیرند، یزدانی، مسئول سپاه پاسداران بر این تاءکید می‌کند که: "چون شما پول خرید از کارخانه را ندارید پس اصغر سپاه جنس را بیاورد!!"

ها " و هرزورگویی دیگری بایستد. از طرف دیگر، کارگران و تولیدکنندگان کفاش به تنهایی سرمایه و امکانات لازم را برای خرید و وارد کردن مواد اولیه در اختیار ندارند. ولی سرمایه‌های اندک فرد فرد آنها زمانیکه روی هم جمع میشود میتواند سنگ بنای ایجاد شرکت تعاونی مورد نیاز آنها باشد. دولت هم در جهت حمایت از کارگران و زحمتکشان این رشته تولیدی، موظف است که با تاءمین بقیه سرمایه لازم برای تشکیل این شرکت کمک نماید. ما برای تولیدکنندگان و کارگران زحمتکش کفاش تبریزی آرزوی پیروزی و موفقیت می‌کنیم.

تولیدکننده‌ها راه این سازمان امید می‌نمایند. کارگران و تولیدکنندگان باید روی نیروی خودشان، روی وحدت و یکپارچگی و تشکل خودشان حساب بکنند. آنها ضمن پیش بردن امر تشکل خود در سنگهای مستقل خویش، باید فکر ایجاد شرکت تعاونی تولید و فروش را محکم تر در دست بگیرند تا با تشکیل آن دست واسطه‌ها و مفتخوران سر خود کوتاه کنند. طبیعی است که تا زمانیکه کارگران و تولیدکنندگان، منفرد و جدا از هم هستند مجبورند تن به زورگوئی واسطه‌ها بدهند. ولی جمع ۱۷ هزار نفری این نیروهای پراکنده می‌تواند چون کوهی در مقابل واسطه

ظالم توهین شده و کتک خورده‌ایم. حتی یکبار این ظالم ضد انقلاب یکی از باغبانها بنام حسین بزی را که در تظاهرات علیه طاغوت شرکت کرده بود بباد کتک گرفته و میگوید: "همین شما کثافتها هستید که مملکت را بدلجن میکسید" حالا که ما باصلاح کثافتها انقلابمان بیروز شده و حکومت عدل اسلامی برقرار شده است دادگاه انقلاب اسلامی باید از حقوق باعمال شده ما در برابر این مالک ضد اسلام و ضد انقلاب دفاع کند نه اینکه ۷ نفر باغبان زحمت کش



سازی :

به اوضاع نابسامان کارخانه قند دزفول، فوراً

روستای «خروس لا» و چون خونیا (داراب - فارس) : فتودالها برای حفظ موقعیت خود

رسیدگی کنید!

ماها از تاریخ تحویل کارخانه می گذرد
ولی کارشناسان چکسلاواکی آنرا تحویل نداده اند

کارخانه "قند دزفول" که بوسیله کارشناسان چکسلاواکی ساخته میشود، هنوز آماده تحویل نیست. این کارخانه که تاکنون در چندین شماره "رنجبر" درباره مسائل و مشکلات کارگران و سو مدیریت آن مطالبی نوشته شده است، قرار بود هشت ماه قبل به دولت تحویل شود، ولی آنطور که معلوم است، تا یکسال دیگر هم کارخانه "قند دزفول"، آماده تحویل نخواهد بود.

در این کارخانه، بدلیل وجود عناصر ساواکی و طاغوتی و همچنین مدیرانی که بطرفداری از روسیه شوروی و حزب توده شهرت روسی دارند، تا بحال اتفاقات زیادی افتاده است. آخرین حادثه در این کارخانه که یکماه قبل پیش آمد، حادثه آتش سوزی انبار کارخانه بود که طی آن ۵۰ میلیون تومان ابزار و وسائل کارخانه طعمه آتش شد. این آتش سوزی بنا به شواهد موجود، از قبیل قطع تلفن، خالی بودن ماشین آتش نشانی کارخانه و... حکایت از توطئه‌ای برای نابود کردن اموال مردم و ایجاد جو تشنج و ویرانی و ناراضی میکند و متأسفانه هنوز دلایل قانع کننده‌ای که برپایه تحقیق درستی باشد، از طرف مسئولان در باره این آتش سوزی ارائه نشده است.

مدیریت کارخانه "قند دزفول" آنچنان هرج و مرجی را به محیط کارخانه تحمیل کرده است که جان کارگران از این همه بی نظمی، سو مدیریت و اخلاص مدیریت و... بلب رسیده است. مدیریت این کارخانه عملاً شرایطی را فراهم آورده است که اوقات کارگران به انجام کار مفید نگذرد. در این کارخانه ابزار لازم کار در اختیار کارگران قرار نمیگیرد و بعد از آتش سوزی اخیر معلوم شد که میلیونها تومان ابزار کارگران در این انبار موجود بود و تمام آن از بین رفته است. همین مدیریت با ایجاد ناراضی در بین کارگران زحمتکش "قند دزفول"، آنان را به مقابله با دولت و دشمنی با آن میکشاند. در همین کارخانه که کارشناسان چکسلاواکی بکار مشغولند،

باغبانهای باغ "کلبادی" را از زندان آزاد کنید

"محمدخان کلبادی" یکی از مالکین بزرگ ساری باغبان هائی را که بین ۶ تا ۲۲ سال در شدیدترین شرایط استثنای و با حقوق ناچیزی برای او کار کرده اند، با توطئه اخراج کرده و سپس موجبات زندانی شدن آنان را فراهم آورده است.

این مالک که بارزیم سابق نیز روابطی حسنه داشت، بسیاری از زمین ها را بزور غصب کرده و این باغبانها را برای نگهداری باغ خود به ساری آورده است. "محمد خان کلبادی" و پدرش بارها و بارها این زحمتکش را بباد کتک گرفته اند و حتی در دوران انقلاب نیز یکی از این باغبانها را بجرم شرکت در تظاهرات ضد رژیم گذشته، کتک مفصلی زده است.

"کلبادی" در ابتدا، باتفاق عده‌ای جماع بدست بسراغ باغبانها رفت ولی نتیجه‌ای عاید او نشد. سپس با صحنه سازی وانمود کرد که آنان قصد حمله به او داشته اند و اینکار هم ترمی نخشید و یک هفته بعد طی شکایتی به دادگاه انقلاب

روستای موسی آباد (اصفهان)

در روستای موسی آباد ۷ خانوار که در حدود ۳۰ الی ۳۵ نفر هستند زندگی میکنند. با چند نفر از اهالی این ده به صحبت پرداختیم. ابتدا با یک پسر بچه ۱۴ ساله به گفتگو پرداختیم.

از او سؤال کردیم در ده شما امکانات اولیه مثل حمام، مدرسه، برق، لوله کشی آب وجود دارد؟ او با لهجه شیرین روستایی گفت: "ما در اینجا حمام نداریم، یکی هم که جهاد سازندگی آمده برای ما بسازد، فقط نقشه و پول داد. والا وسائل از قبیل آجر، سیمان، ماسه را خودمان تهیه کردیم و حتی کارگران هم خود اهالی ده بودند. هنوز هم روی آن کار میکنند.

سؤال کردیم: مدرسه چگونه است؟ گفت: "اینجا مدرسه‌ای نیست. اگر کسی خواست درس بخواند باید یک کیلو متر راه برود تا به روستای

نه اینکه ۷ نفر باغبان زحمت کش ستمدیده را به جهت مبارزه با این ارباب که انقلاب را "لجن" و انقلابیون را "کثافت" میدانند چند روز زندانی کند و بالاخره از ما تعهد اجباری بگیرد که مانع ورود او به باغ نشویم و کاری به او نداشته باشیم و بعد ما را آزاد نماید.

ما میگوئیم این باغ مثل میلیونها متر زمین و باغ این ارباب که توسط دادگاههای انقلاب صادره شده است غصبی بوده شرعاً مال او نیست. چون هم زمین را بزور با کمک ساواک با قیمت بسیار نازلی تصاحب نموده است و هم نیروی کار ما را بزور با قیمت ناچیزی خریداری نموده است بنابراین قانوناً و شرعاً حق ورود به باغ را ندارد حتی اگر ما هم با او مبارزه نمی کردیم دادگاه خود موظف بود دست این ارباب را از این باغ هم کوتاه نماید و حق مشروع ما زحمتکش را تا همین نماید.

ما از دادگاه انقلاب میخواهیم به وعده شفاهی خود که رسیدگی سریع به خواسته شروع ماست هر چه زود تر عمل نموده و در تصمیم گیری جانب مستضعفین را نگهدارد که خداوند وعده‌امامت روی زمین را به آنها داده است و از مردم مبارز ساری هم میخواهیم از حقوق مشروع و قانونی حمایت و پشتیبانی نمایند. باغبانهای موسسه کشاورزی برادران

دهقانها را بجان یکدیگر می اندازند

روز دوشنبه ۵۹/۳/۱۲ در روستای نام "خوسلا" و "جون خونیا" از حومه "داراب" سرزمین آب و کمباین بین روستائیان دعوا و درگیری روی میدهد. در این درگیری یک نفر از روستائیان کشته و دو نفر دیگر بشدت زخمی می شوند که بخاطر فقدان امکانات درمانی آنها راه شیراز منتقل میکنند. حدود ۲۰ نفر دیگر هم بطور سطحی زخمی میشوند. مردم میگویند که این دعواها دیگر عادی شده است. در حالیکه مالکین بزرگ و فئودالها زمین هایشان تقسیم نشده و موقعیت خود را حفظ کرده اند، بین دهقانان کم زمین و بی زمین باخبره مالکین دعوا وجود دارد. آنها از طرف فئودالها و بزرگ مالکین تحریک و تشویق میشوند تا با هم به نزاع بپردازند و فکرشان از فئودالها منحرف شود. هر بار هم تعدادی مجروح و کشته میشوند. مردم می گویند دولت باید به وضع آنان رسیدگی کند و با تقسیم زمین مالکین بزرگ بین دهقانان بی زمین و کم زمین از دعواها و کشت و کشتار جلوگیری نموده و حداقل رفاه را برای آنان تا همین نماید.

حمام نداریم، مدرسه نداریم، برق نداریم آب لوله کشی هم نداریم

منطقه میشود حساب کرد؟ گفت: "اگر شما به ما تراکتور و بذر بدهید ما دیگر از نظر کشاورزی احتیاجمان به به خارج نخواهد بود". اضافه کرد: "اگر این روستائیان که از دهات کوچ کرده اند برگردند به سرکارشان و اینقدر به این شهرهای صنعتی نروند، چطور نمی شود تولید را زیاد کرد؟ الان من نمی توانم نان خودم را بدست آورم، چطور میتوانم بدون وسائل و امکانات شکم چند هموطنم را سیر کنم؟ پس خواهش میکنم به وضع ما رسیدگی شود".

سؤال کردیم چرا برق ندارید؟ گفت: "اینجا هنوز برق منطقه‌ای کشیده نشده و گفته اند که خرج زیادی میبرد تا برق به اینجا بکشیم. یکی از دهها ی نزدیک هم

"کیچی" برسد که آن هم فقط مدرسه ابتدائی دارد. ولی راهنمایی باید به ده دیگری به نام "الون آباد" برود که آن هم چند کیلومتر راه است". او در خاتمه گفت: "همینطور که مبینید برق و آب لوله کشی وجود ندارد. کم کم دور اتومبیل ما شلوغ شد، یکی از روستائیان سال خورده جلو آمد. کمی سلام و احوالپرسی کردیم، بعد از آن سؤال کردیم در این روستا چه محصولاتی کشت میشود؟ در جواب گفت: "ما بیشتر گندم کشت میکنیم چون زندگی ما به آن بستگی دارد، آن هم بطور خیلی کم". گفتیم اگر به شما بذر، تراکتور و سایر وسائل کشاورزی بدهند، روی تولید این

موتور برقی خریدند و با ما گفتند هر خانوار ۳۰۰۰ تومان بدهند تا برای شما برق بکشیم". پرسیدیم که چرا فعالیتهای جهاد سازندگی در این منطقه را کد مانده، آیا این دلیلش نیست که اهالی همکاری لازم را نمی کنند؟ گفت: "درست است، بعضی از اهالی کمک نمی کنند، ولی آنها هم تفصیر ندارند، از ایشان خواستیم اگر حرفی دارند بگویند. گفتند: "ما فقط از مسئولین امر خواهش میکنیم، تمنا داریم که کمی هم به مسائل ما روستائیان گوش فرادهند". بعد از تشکر از ایشان و از اهالی ده از آنجا دور شدیم.

شصتمین سالروز ایجاد حزب کمونیست ایران

۱۲۹۹
۱۳۵۹

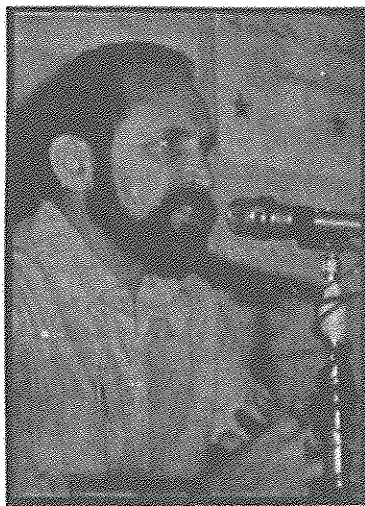
بمناسبت شصتمین سالروز
تاسیس حزب کمونیست ایران، رفیق
علی صادقی سخنرانی‌ای در محل
خانه تهران حزب رنجبران ایران
ایراد کرد که نخستین قسمت آن را در
زیر ملاحظه میکنید.

رفقای عزیز سلام

امروز که اینجا جمع شده‌ایم تا
یک روز بزرگ تاریخی را، نه تنها در
رابطه با مبارزات خلق ایران بلکه در
رابطه با مبارزات خلقهای ستمدیده
جهان جشن بگیریم و درسهایی را که
با خون هزاران هزار شهید نوشته شده
بیاموزیم و در عین حال کوشش بکنیم
بینیم این روز بزرگ تاریخی یعنی روز
تشکیل حزب کمونیست ایران برای آینده
حزب ما چه خطی را پیش گذاشته است
و این خط تا چه حد در تطابق است با
آن آرمان‌ها، آرزوها و ایده‌آلهایی
که رهروان و رهبران پیش کسوت ما در
گذشته دنبال کرده‌اند.

حزب کمونیست ایران که ۶۰ سال
پیش در اوائل تیر ماه ۱۲۹۹ تشکیل
شد محصول قریب ۲۰ سال مبارزه بر
تلاطم و خونین خلقهای کشورمان بود.
این حزب یک روزه و مثل قارچ آن‌طور
که حزب توده ایران بیرون آمده زائیده
نشد. مبارزه مردم ما علیه استعمارگران
و امپریالیسم در اواخر قرن گذشته
تقریباً یک شکل مبارزه عسکی و رو در-
رو را به خود گرفت. رفقا همه می-
دانید جنبش تنباکو اولین جنبشی
بود که با پیروزی روبرو شد و مردم ما
نگذاشتند که انحصار توتون و تنباکو
به دست استعمارگران انگلیس بیفتد.
در مبارزهٔ ضد امپریالیستی و ضد
استبدادی کشور ما که در اوائل قرن
شکل گرفته بود و به صورت مشروطه-
خواهی خودش را نشان می‌داد، افشار
و دسته‌های مختلفی شرکت داشتند،
از آن جمله بود "سوسیال دمکراتها"
یا "اجتماعیون عامیون" آن دوره که
مجموعه‌ای بودند از روشنفکران ایران که
تحت تاثیر جنبش سوسیال دمکراسی
در اروپا و بویژه در روسیه قرار داشتند.
به همین دلیل قبل از انقلاب مشروطیت
در سال ۱۹۰۴، جمعیت همت در پاکو
تشکیل شد به دست نریمان نریمانف.

سخنرانی رفیق علی صادقی عضو کمیته مرکزی حزب رنجبران ایران



رفیق علی صادقی هنگام ایراد سخنرانی

مطرح می‌کردند که با روحیه‌ای که در
آن موقع در جامعه ما حاکم بود تطابق
نداشت. کما اینکه هنوز امروز هم با
این مساله ما روبرو هستیم.
و یا مصادره کردن اموال برخی
از بورژواها که اینها در واقع بورژوا-
های ملی بودند - اینها وابسته به
امپریالیسم نبودند.

این چپ روی‌ها یک سری مساله
بوجود آورد که باعث عدم اعتماد در
درون جبهه واحد نسبت به کمونیستها
گردید.

البته در کنگره اول حزب که در

و قطع نفوذ امپریالیسم. این یک خط
بود. خط دیگری بود که در عین حالی
که به درستی می‌گفت در جامعه ما
نفوذالیسم با هزار و یک نخ به
امپریالیسم وصل است، و لیکن علاوه
بر این دو نکته، قطع نفوذ مالکین و
همچنین برخورد غلط به بورژوازی ملی
و خرده بورژوازی هم در دستور
کارش قرار داده بود.

در نتیجه از همان اول این دو
خط مشی باعث بروز یک سلسله مشکلات
شد و این جبهه واحدی که حزب
کمونیست در آن دوره تشکیل داده

دوره و هم در حال حاضر بیش از ۸۰٪
مردم کشور ما را در بر می‌گیرد. ما که
بینش مشی توده‌ای داریم ما که توده-
ها را سازندگان تاریخ جامعه می‌دانیم
بدون توجه به این واقعیت که این نیروی
مادی، این ۸۰٪ یا بیشتر باید متحد
و متشکل بشود نمی‌توانیم ادعا بکنیم
جبهه واحدی درست بکنیم و انقلاب
کشورمان را به پیش ببریم. آن دوره
هم این مساله مطرح بود. وقتی حزب
کمونیست ایران تشکیل شد، درست
است کادرهایش از درون مبارزات توده-
ای و جنگ‌های انقلابی در آمده

گفت جناح خرده بورژوازی به سرمداری
سلیمان میرزا اسکندری که پدر حزب
توده بود، و حزب دمکرات ایران را
بوجود می‌آوردند، همان حزب دمکراتی
که کم و بیش شیخ محمد خیابانی در
آذربایجان یک جناحی از آن را تشکیل
می‌داد. جناحی دیگری هستند که پس
از پیروزی انقلاب ندریجا با حکومت
وقت همکاری می‌کنند و از صحنه عمل
به عنوان یک جریان فعال خارج می-
شوند. اما یک جناح سومی هم بود که
این سنتهای انقلابی سوسیال دمکراسی
را ادامه می‌دهد و آن جناح چپ است،
همان جناحی که با ایده‌های مارکسیستی
که در آن موقع به آن سوسیال دمکراسی
اتلاق می‌شد آشنائی داشته و از زمان-
های اول قرن حاضر (طرفهای ۱۹۰۱)
حتی با حزب سوسیال دمکرات کارگری

روسیه که دوران اولیه حیات خود ترا
طی می‌کرد همکاری داشتند. مثلاً
روزنامهٔ ایسکرای لنین که در خارج
چاپ می‌شد یک قسمتش از طریق
آذربایجان ایران به روسیه برده می-
شد. کسانی مثل اسد الله غفار زاده
که بعداً بعنوان از بنیان گذاران حزب
کمونیست ایران بودند این وظیفه را
انجام می‌دادند یا کسان دیگری مثل
حیدر عمو اوغلی بسودند که بسودند
فشرده‌ایی با سوسیال دمکراسی کارگری
روسیه داشتند که در مناطق قفقاز کار
می‌کنند و صد بار الهام از اندیشه -
های مارکسیستی به ایران آمد و سعی
کرد که این اندیشه‌ها را در جاهای
مختلف ایران از خراسان گرفته تا
آذربایجان به عمل در بیاورد و سعی
می‌کرد به سازماندهی بپردازد به همین
دلیل در اطراف سالهای ۱۱ - ۱۹۱۰
موقعی که انقلاب مشروطیت با شکست
موقتی روبرو می‌شود و انقلاب در نیمه
راه می‌ماند و کشور ما از طرف شمال
توسط قزاقان روس و از طرف جنوب
توسط پلیس زیردست انگلیسها تقریباً
به حالت اشغال در آمده بودند قرار
داد سال ۱۹۰۷ تقسیم ایران را به دو
منطقه روس و انگلیس علی ساخت.



* کادرها و تشکیل دهندگان حزب
کمونیست در دوره‌ای که صفحاتش با
خون نوشته میشد، همدوش سایر
نیروهای ملی و مبارز جامعه ما علیه
استبداد و امپریالیسم مبارزه کردند.

رهبری شرکت داشت. بنابراین اساساً
اینها رهبری را بدست گرفتند - در
این دوره علیرغم اینکه جبهه واحد
ضعیف شده بود این نیروهای انقلابی
بجای اینکه مبارزه مسلحانه را حساب
شده جلو ببرند، دچار یک عطش گرفتن
تهران بودند. چون آثار شیسم همیشه
در کنارش ماجراجویی و ایده پیروزی
سریع هست این است که می‌خواستند
هر چه زودتر حمله کنند و تهران را
بگیرند بدون اینکه یک پایه استوار و
مستحکم در شمال درست کرده باشند.
به همین دلیل علیرغم اینکه در برخی
از جنگها بیرونی‌های نسبی به دست
آوردند و لیکن به دلیل اینکه حد
نگهداری نکردند در یکی از جنگ‌ها به
سختی شکست خوردند. در نتیجه یک
مقدار از این نیروها ضعیف شدند
منتهی این شکست در واقع مادر پیروزی
بود. باین معنی که عناصر آگاه حزب

اواخر ژوئن تشکیل شده بود و یک
مقدار این چپ روی‌ها تا حدی زده شد
ولیکن جناحی از حزب که خواستار چپ
روی بود دست بردار نبود. همان‌طور
که امروز هم می‌بینیم، هستند کسانی
که یک‌دوره حاضر نیستند از گفتن حرف-
های گنده گنده چپ پائین بیایند.
در آن موقع هم از این آدم‌ها وجود
داشتند بخصوص که یک سری افراد ی
هم دور و بر اینها بودند مثل احسان
الله خان که اینها آثار شیسم بودند و
متأسفانه اینها را هم بعنوان اعضای
حزب کمونیست می‌شناختند. بسیاری
از این آثار شیست بازها مربوط می-
شد به احسان الله خان که در درون
جبهه واحدی که در آنجا تشکیل شده
بود شرکت داشت ولیکن همه اینها به
پای حزب کمونیست نوشته می‌شود.
بنابراین در حزب کمونیست جناح
کوچکی بودند که متأسفانه در رهبری
بودند و دارای نقشی بودند و اینها

وعدای از ایرانیان مقیم آذربایجان در این جمعیت شرکت داشتند. این جمعیت در آن موقع خواسته‌های بورژوا-دمکراتیک داشت و نقطه نظراتی که مطرح کرده بود کم‌کم فی السابق، امروز هم هنوز به قوت خود در جامعه مسأله باقی هست که بعنوان سه اصل خلق طرح کرده‌ایم و نکاتش را من در اینجا می‌گویم و می‌بینید که چقدر تازگی دارد. در زمینه عدالت اجتماعی این خواسته‌ها داشته‌اند:

- زمین از آن کسی است که روی آن می‌کارد
- ۸ ساعت کار برای کارگران
- پرستاری از زنان بیوه و اطفال بی سرپرست
- ایجاد مسکن برای بی چیزان
- ایجاد مدارس برای فرزندان زحمت کشان
- لغو عوارض و مالیات از فقیران
- کم کردن کمرک اشیائی که مثل قند مورد نیاز مردم است
- در زمینه آزادی‌ها: آزادی کار، زبان و مطبوعات، سندیکا، مذهب و اعتصاب.

در زمینه استقلال، سرنگون ساختن رژیم منفر قاجار و نجات کشور از ستم خارجه.

سوسیال دمکراتها یا اجتماعيون عاميون سعی کردند در مناطق مختلف ایران بخصوص در صفحات شمالی کشور از خراسان گرفته تا آذربایجان به سازماندهی بپردازند. مثلا در تبریز کمیته‌ای بوجود آوردند که "مرکز غیبی" اسمش بود، و همه در تاریخ آن را خوانده‌ایم و بعضی از چهره‌های برجسته شخصیت‌های مثل علی مسیو یا محمد حسین باغچه‌بان یا حاج محمد علی دوا فروش و غیره از زیر آن مجاهدین را که یک جمعیت علنی بودند و در انجمن تبریز فعالیت می‌کردند هدایت می‌کردند. یا مثلا در تهران گروهی تشکیل شدند متشکل از صور اسرافیل، ملک المتکلمین، تربیت و دیگران که روشنفکران آن دوره بودند و علیه استعمار دو گانه انگلیس و روس و همچنین علیه سلطه پادشاهان قاجار مبارزه می‌کردند.

درست به دلیل اینکه این حزب اجتماعيون - عاميون یک حزب متشکل و مستحکم نبود، افکار متفاوتی در درونش بود - و تدریجا این افکار در جریان انقلاب مشروطیت و بخصوص پس از آن در سالهای ۱۸ و ۱۹ به بعد شروع می‌شود به شکل گرفتن. یک جناحی که جناح میانه است و می‌شود

در این شرایط در واقع ضد انقلاب به خاطر اینکه تمام آثار انقلاب را محو بکند شروع کرد به کشت و کشتار انقلابيون و اگر شما صفحات تاریخ را نگاه بکنید می‌بینید چوبهای دار در همه جا در تبریز در زنجان، رشت و غیره بر پا بود و انقلابيون که در دوره مشروطیت، چه سوسیال دمکرات چه اسلام مبارز و غیره معروف بودند، تعداد زیادشان را به دار کشیدند - تنها این جناح چپ اجتماعيون - عاميون بود که در آن موقع صدای مردم ایران را به گوش جهان می‌رساندند. و از جمله در سال ۱۹۱۲ در پراگ در کنفرانس حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه حیدر عمو اعلی وظیفه داشت مجموعه جنایاتی که تزار یسم روسیه در ایران مرتکب می‌شود به اطلاع برساند و در این کنفرانس از طرف نمایندگان قطعنامه‌ای تهیه شد که محکوم می‌کرد این جنایات تزاریسم را در ایران. در ادامه مبارزه جناح چپ سوسیال دمکراسی ایران، مادرالسهای ۱۹۱۶ مواجه هستیم با بوجود آمدن حزب عدالت که در واقع شالوده حزب کمونیست بود و در اولین کنفرانس که در سال ۱۹۲۰ یا ۱۹۱۹ تشکیل شد اسم خودش را تغییر داد و حزب کمونیست ایران نامیده شد.

بنابراین می‌بینیم که کادرها و تشکیل دهندگان این حزب در یک دوره بسیار بفرنج در یک دوره‌ای که با خون صفحاتش نوشته می‌شده مدوش سایر نیروهای ملی و مبارز جامعه ما علیه استبداد و امپریالیسم مبارزه کردند و تجاربشان به آن حد ارزنده و گران قدر بود که از درون این تجارب بود که خط مشی حزب کمونیست ایران زاده شد. این خط مشی بدون این تجربه نمی‌توانست از آسمان نازل شود و یا نتیجه فکر چند روشنفکر فیلسوف مآب باشد.

حزب کمونیست ایران از همان دوره اول تشکیل شدنش سه مسئله اصلی انقلاب کشور ما را یعنی جبهه واحد، مبارزه مسلحانه و ساختن حزب را مورد بررسی قرار داد و محکم به دستش گرفت اما این به این مفهوم نبود که در هر سه زمینه حزب نقطه نظرات خیلی دقیق روشن و درستی داشت. به طور مشخص در رابطه با جبهه واحد درون حزب دو کمبود وجود داشت. یک کمبود نداشتن پایه توده‌ای وسیع بود چونکه یک جبهه واحد علیه امپریالیسم که اساسش را وحدت کارگران و دهقانان تشکیل می‌دهد هم در آن

بودند، ولی به دلیل عقب ماندگی جامعه و به دلیل اینکه به قول ارانی "با چراغ موشی در چهار گوشه ایران تفحص می‌کردیم و پیدا کردن دو تا روشنفکر با سواد مشکل بود"، نه‌آید ه‌ایم - لایمی به اندازه کافی به درون توده‌های مردم و طبقه کارگر رفته بود و نه حزب کمونیست توانسته بود یک دوره طولانی مبارزه پشت سر داشته باشد. از همان دقیقه اولی که بوجود می‌آید، در جنگ و انقلاب این نطفه زاده می‌شود و یک جریان نیست که بوجود آمده باشد، سالها مبارزه کرده باشد و آن زمینه و پایه را بوجود بیاورد که بتواند انقلاب را با استواری به پیش برد، بلکه خود شگفتی محصول جنگ و انقلاب هست که در جامعه ما جریان دارد. در نتیجه به اندازه کافی نه‌توی دهقانان که در آن موقع اکثریت عظیم جمعیت ما را تشکیل می‌داد نفوذ داشت و نه در درون کارگران. بخصوص که کارگران تعدادشان اندک بود و آنهایی هم که کارگران نسبتا پیشرو بودند اساسا کارگرانی بودند که به علت نبودن کار، به‌علت ریزش این سیستم فئودالی جامعه ما، اساسا ریشه دهقانی داشتند و مجبور بودند برای یافتن کار به روسیه بروند که مقداری پیشرفته تر بود و در مناطق قفقاز کار می‌کردند که روایتی تعدادی حدود ۸۰۰۰۰۰ کارگر ایران در این حوزه‌های نفتی قفقاز کار می‌کردند. همین طور عده زیادی هم در طرف ترکمنستان بودند که به کارهای نسه چندان تکنیکی در آنجا اشغال داشتند. در نتیجه می‌بینیم که نفوذ حزب کمونیست اساسا در میان این نیروها بود اینها هم بیشتر در خارج کشور بودند و گر چه کارگران آگاه تدریجا به ایران آمدند و در ایران شروع کردند به کار کردن ولیکن این هنوز کافی نبود برای اینکه بتواند در میان توده مردم آن چنان ریشه‌ای بوجود بیاورد که هیچ دشمنی قادر نباشد که این ریشه را از جا بکند.

مسأله دیگری که در آن موقع در جلوی حزب کمونیست قرار گرفت و مربوط می‌شد به چگونگی ادامه انقلاب این مسئله بود که خوب انقلاب مادر شرایط فعلی چه کسی را دوست و دشمن خودش می‌داند، با چه کسی باید متحد شود و علیه چه کسی مبارزه کند. در آن موقع یک خطر بود: سرنگونی رژیم منفر قاجار و بیرون راندن

بود، بخصوص در مناطق شمالی کشور و اساسا در جنبش جنگل با یک سری مشکلات روبرو شد.

یک دوره اول هست که این دوره قدری قبل از تشکیل حزب کمونیست است یعنی از اوائل ژوئن ۱۹۲۰ (اواخر اردیبهشت ۱۲۹۹ تا تیر ۱۲۹۹) از این دوره آن خط غلط یک سری چپ روی می‌کند: چپ روی در قبال مذهب: مثلا یک سری مساجد را در شمال کشور می‌بندند، یعنی در منطقهای که جنبش ضد امپریالیستی و ضد استبدادی جریان داشت و برهبری کوچک خان پیش می‌رفت و حزب کمونیست هم در آنجا وارد جبهه واحد با کوچک خان شده بود.

در مورد کشف حجاب زنان هم چپ روی می‌کردند و می‌خواستند خیلی جلوتر باشند از زمان خودش و مسائلی

چپ روی می‌کردند - نتیجه این کار این شد که در واقع کوچک خان که اول با اینها اتحاد کرده قرارداد بسته و علیه چپ روی‌ها بود، در نتیجه عدم رعایت اصول جبهه‌ها و احاد جانب چپ‌روهای حزب کمونیست از متحدین خود روی گرداند و قیصر کرد و به جنگل رفت.

یک دوره دومی هست که حدودا دو ماه و نیم ۳ ماه طول می‌کشد و در واقع اواخر ژوئیه است تا اواسط اکتبر ۱۹۲۰. این دوره مصادف است با دوره بعد از رفتن کوچک خان به جنگل. در واقع نیروی دیگری که در جبهه‌ها واحد باقی ماندند اساسا شامل نیروهای حزب کمونیست بودند یعنی احسان الله خان، خالو قربان که خودش را نماینده کارگران کتیرا از کرمانشاه می‌دانست و در جنبش شرکت کرده بود و به علت اینکه مقداری هم دست به اسلحه‌اش خوب بود و در

سالروز شهادت صور اسرافیل و ملک المتکلمین

(بقیه از صفحه ۱۶)

نداشت و از این طریق منافع خود و اطرافیان و اربابان روسی‌اش را در خطر می‌دید، با مشورت با لیاخوف فرمانده روسی سپاه قزاق تصمیم به انجام کودتا و انهدام حکومت نوپای مشروطه و برقراری مجدد حکومت خودکامه در کشور گرفت. بدنبال این تصمیم در تهران حکومت نظامی اعلام شد و کلیه روزنامه‌ها و نشریات آزادیخواه توقیف شدند و رژیم کمر به تعطیل مجلس و دستگیری مشروطه‌طلبان و آزادی خواهان و بویژه نمایندگان آزادیخواه مجلس، بست. میرزا جهانگیرخان و ملک المتکلمین از جمله ۸ نفر سر از آزادیخواهانی بودند که دستگیر و توقیف و دستگیری آنها از طرف کودتاچیان صادر شده بود. آنها برای آنکه به جنگ دشمن نیفتند به خانه ملت پناه بردند و در آنجا بست نشستند. مجلس در مقابل فشار رژیم برای تحویل این افراد مقاومت کرد و لیاخوف بدستور شاه مجلس را به توطئه بست. سرانجام مجلس پس از ساعتها مقاومت سقوط کرد و این دومبار سر بلند و آشتی ناپذیر بدست گزبه‌های روسی اسیر شده و... غل و زنجیر به گردن و دست و پایشان بستند و آنها را گشان گشان به باغشاه بردند... و سحرگاه روز بعد، بیکر آنها را که ساعتها شکنجه و ضرب و شتم را تحمل کرده بودند بدون هیچگونه محاکمه و بازجویی بدست دژخیان سپردند. حکومت کودتا موفق شد که حکومت دوساله مشروطه

را از بین ببرد و حکومت سرکوب، خفقان و وحشت را برای مدتی در کشور مستقر سازد.

میرزا نصرالله خان ملک المتکلمین نیز ناطقی زبر دست و متفکری آزاده بود که مسجد سپهسالار (مدرسه مطهری کنونی) را به سنگر مبارزه علیه رژیم خودکامه و وابسته آن زمان تبدیل کرده بود و با نطق‌های کوبنده و روشنگرانه خود، مردم را از وضع کشور و دنیا آگاه می‌ساخت و آنان را به خیزش و قیام برای سرنگونی دستگاه ظلم و ستم حاکم می‌شوراند.

میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل از آزادیخواهان بنام و مبارزی خستگی ناپذیر و نویسنده‌ای پرکار، زحمتکش و سرسخت بود که عمرش را در فقر و تنگدستی بسر برد. روزنامه صور اسرافیل به جنگ دیو خودکامگی و استبداد و حامیان امپریالیست آن برخاسته و در روزنامه خود، خیانت رجال حکومت و بند و بست آنها را با بیگانگان فاش می‌کرد... و به همین علت هم همیشه منفور محافل ارتجاعی حاکم بود و عاقبت هم در این راه جان باخت.

انقلاب مشروطیت یکی از پر بارترین دوره‌های تاریخی کشور است در جریان این انقلاب، شاهد شکل گیری اتحاد بزرگ ملی از سه جریان بزرگ اسلام مبارز، ملی گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی هستیم. در جریان این انقلاب، هر جا این سه جریان در وحدت تنگاتنگ با یکدیگر

سوسیست شروع کردند به راه یابی و کوشش برای اینکه دوباره اتحاد بین پرولتاریا و بورژوازی ملی را در درون این جبهه واحد بوجود آورند، اتحادی که تا حدی در هم شکسته شده بود بدون اینکه به دشمنی آشکار تبدیل شود. در واقع در همین دوره است که حزب کمونیست با اصلاح نقطه نظرات خودش تزه‌ای جدیدی می‌دهد. در این مرحله، پس از اینکه حزب کمونیست کوشش‌هایی می‌کند که با موفقیت کامل روبرو نمی‌شود عملا اختلاف در درون این جبهه واحد تا سطح دشمنی و نسا سطح نابود کردن همدیگر پیش می‌رود. پس از آن دوره چهارم شروع می‌شود که در واقع از اوایل مه ۱۹۲۱ است (بهار ۱۳۰۰) تا شکست انقلاب جنگل که در پائیز همان سال با کشته شدن حیدر و کوچک با پیروزی ارتجاع پایان می‌پذیرد.

قرار دارند انقلابيون موفق شده‌اند استبداد و خودکامگی دربار راپوزه بند بزنند و جلوی تعدیات دشمنان خارجی را سد نمایند و از اصول خلق استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی پاسداری نمایند. همینطور، هرگاه که بین این سه جریان تفرقه و جدایی افتاده است دشمنان داخلی و خارجی ما سود برده‌اند و انقلاب با شکست روبرو شده است.

در جریان انقلاب مشروطیت شاهد بودیم که این سه جریان تاریخی در وحدت با یکدیگر بر علیه دشمن مشترک یعنی استبداد و استعمار مبارزه کرده‌اند و دشمن هم پس از انجام کودتا و در پیش گرفتن سیاست سرکوب بین دشمنان خود، تمایز قائل نشد.

دشمن، میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل و ملک المتکلمین را همراه هم بدست دژخیم سپرد. در جریان سرکوب قیام تبریز هم شاهد بودیم که فرزندان علی مسیو نماینده سوسیالیسم انقلابی و فقها اسلام نماینده اسلام مبارز و دهها نماینده ملی گرایی مترقی که دوش بدوش هم علیه دشمن مشترک جنگیده بودند، در کنار هم برچوبه دار قرار گرفتند. در جریان ملی شدن نفت هم رژیم کودتا، نه به مصدق و فاطمی و سایر ملی‌گرایان مترقی رحم کرد و نه به عناصر صادق و میهن پرست توده‌های و نه به نمایندگان راستین اسلام مبارز.

در بزرگداشت سالروز شهادت این دومبارز انقلابی از تجارب تاریخی بیاموزیم و با برقراری اتحاد بزرگ ملی انقلاب را به پیش سوق دهیم.

تظاهرات و اعتصابات گسترده کابل را فراگرفت

خبرگزاری فرانسه از کابل گزارش میدهد که مبارزین افغانی مردم کابل را دعوت بااعتصاب عمومی یکپهفتهای کردند. این اعتصاب از روز یکشنبه (۳۱ خرداد) در کابل مرحله اجرا درآمد. گفته مجاهدین افغانی در پیشاور اعلامیههای دعوت به اعتصاب در سطح شهر کابل پخش شده است. در این اعلامیه ها از مردم کابل خواسته شده است تا برای محکوم کردن وحشیگری ها و جنایات روسها نسبت به مسلمانان افغانستان و برای مخالفت با رژیم مزدور دوست نشاندن ببرک کارمل دست بااعتصاب عمومی بزنند. در این اعلامیه ها بویژه از صنعتکاران و مامورین حمل و نقل و کارمندان دولت دعوت شده است تا باین اعتصاب بپیوندند.

از طرف دیگر بنا بر گزارشهای رسیده از کابل دانشجویان در خیابانهای کابل بتظاهرات پرداخته اند. برای مقابله با این تظاهرات هلی کوپترهای روسی بر فراز شهر به پرواز درآمده اند و زره پوشها نیز در شهر به گشت پرداختند. خبرگزاری پارس در مشهد نیز بنقل از خبرنگار حرکت اسلامی افغانستان از شهر هرات گزارش داد

رویدادهای جهان



که در مرحله فیروزآباد و شیوان هرات یک فروند هلی کوپتر در حالیکه سرگرم عکس برداری هوایی بود توسط مبارزان و مجاهدین افغانی سرنگون شد و خلبان روسی آن کشته شد. در پی سرنگونی این هلی کوپتر هواپیما های روسی شدیداً این منطقه را بمباران کردند.

بموجب همین گزارش در پی این بمبارانها یادگان هرات به پشتیبانی از مجاهدین دست به شورش زد و روسها برای سرکوبی این شورش موقتاً "بمباران را قطع کردند و یادگان را به محاصره خود در آوردند".

از سوی دیگر بنابه نوشته روزنامه انگلیسی "دیلی اکسپرس" روسها در نظر دارند برای مقابله با گسترش مبارزات مردم افغانستان نیروهای اشغالی خود را به دو برابر برسانند. گفته همین روزنامه روسها ممکن است نیروهای تجاوزگر خود را در افغانستان به سیصد هزار برسانند این روزنامه همچنین می افزاید که روسها از طریق پل هوایی که بین کابل و روسیه برقرار کرده اند قادرند بسرعت تا ۱۲۰ هزار سرباز به کابل وارد کنند.

رویدادهای اقتصادی

مجتمع پتروشیمی بندر خمینی را با تأمین حاکمیت سرمایه ملی و مدیریت ایرانی به پایان برسانیم

مذاکرات مقامات ایران و زاین بر سر اتمام پروژه ۳/۲ میلیارد دلاری پتروشیمی دربندر امام خمینی که ۸۵ درصد آن تا قبل از انقلاب انجام شده ، برای چندمین بار پس از پیروزی انقلاب در توکیو از سر گرفته شده است. امیر ناصر گوهمار نماینده تام الاختیار ایران ، چند روز است که برای دستیابی به توافق با شرکای ژاپنی ایران ، در توکیو سرگرم مذاکره است. در حال حاضر کار احداث ۱۳ واحد از مجموعه واحدهای این پروژه که از بزرگترین تاسیسات پتروشیمی جهان می باشد ، باقیمانده است .

اختلافات ایران و ژاپن هم اکنون بر سر دو مسئله است . اول اینکه ژاپن حاضر نیست بیش از ۳ واحد از ۱۳ واحد باقیمانده را احداث کند ولی ایران اصرار دارد که ژاپن بر مبنای قراردادی که امضاء کرده و تعهدی که سرده ، کار احداث تمامی ۱۳ واحد را بسرانجام رساند . دوم اینکه ژاپن برای اتمام کار پروژه ۳۰۰ کارشناس به ایران فرستاده است ، اما ایران معتقد است که با توجه به اینکه سهام این مجتمع ۵۰ - ۵۰ متعلق به هر دو کشور است ، در نتیجه تمامی امور فنی نباید در دست ژاپنی ها باشد . به همین منظور ایران میخواهد از تعدادی کارشناسان یوگسلاوی درکار اتمام پروژه استفاده کند ، که این امر مورد مخالفت شدید ژاپن قرار گرفته است . بهر حال دو کشور بر سر ادامه کار احداث مجتمع توافق کرده اند اما مسئله مورد اختلاف جلوگیری ادامه کار و میزان فعالیتهای بعدی است . وزیر نفت اخیراً اظهار داشته است که امیدواریم مذاکرات نماینده تامالاختیار وزارت نفت در زاین به نتیجه مثبت برسد ولی بهر صورت اعم از اینکه این مذاکرات به نتیجه مثبت برسد یا خیر ایران مصمم است که از خدمت کارشناسان سایر کشورها استفاده کند و آنطور نباشد که ما بیک کشور معین وابسته باشیم .

وزیر نفت در دنباله سخنان خود افزوده است که این موضوع قبلاً نیز به ژاپنی ها اعلام شده بود که بعنوان یک شریک که پنجاه درصد سهام را داراست مایل نیستیم که همه کارشناسان ژاپنی باشند بلکه از کارشناسان متخصص سایر کشورها نیز برای اتمام این طرح استفاده خواهد شد .

حجم سرمایه لازم برای ادامه کار ساختمان مجتمع ۲۸/۱ میلیون دلار است که این بودجه را دولت ژاپن با همکاری تعدادی از کمپانی های ایس-کسور ویک کنسرسیوم بانکی تامین خواهد کرد . گروه میتسویی ژاپنی ، نقش اصلی را در تاسیس این مجتمع بازی میکند . در ضمن قرار بود تا پایان سال جاری کار ارسال گاز طبیعی به زاین با رقم اولیه یکمیلیون تن در سال آغاز شود .

اهمیت مجتمع پتروشیمی

مجتمع پتروشیمی و صنایع شیمیایی از جمله صنایع مادر است و اهمیت فراوانی برای زیر سازی ساختمان صنعتی کشور ما دارد . ایران با دارا بودن منابع بسیار غنی نفت و گاز و در عین حال منابع مالی فراوان ، شرایط بسیار مساعدی برای توسعه صنایع شیمیایی دارد . اما این کار در گرو این است که سیاست درستی مبتنی بر تأمین منافع ملی بر این پروژه ها حاکم باشد . چنین سیاستی در اساس باید حاکمیت سرمایه ملی و مدیریت ایرانی را بر این واحدها تضمین کرده و به تاسیس این واحدها در رابطه با ضرورتهای ساختمان اقتصاد ملی کشور برخورد کند . ایران باید در این موارد تنها خریدار تکنولوژی کشورهای صنعتی باشد و نه چیز دیگر .

سهام مجتمع پتروشیمی بندر خمینی بطور مساوی متعلق به ایران و ژاپن است . با توجه به اینکه ۸۵ درصد از کار احداث این مجتمع در دوره

تصحیح و پوشش

در شماره قبل رنجبر (یکشنبه ۱ تیر ماه ۵۹ شماره ۶۷) در مقاله "اریتره: جنگ فراموش شده آفریقا" اشتباهی صورت گرفته است که بدینگونه تصحیح نموده و از خوانندگان خود پوشش می طلبیم: آقای سنپون گریفیتی خبرنگار هفته نامه "فورج" ارگان حزب کمونیست کانادا ۱ ماگسیت

چین و هند با مداخله شوروی در افغانستان مخالفند

خارجه هند تاهکید نمود که شوروی از تنش موجود در منطقه بخوبی آگاه است و حاضر به قبول سربازان خارجی در هیچ کشور منطقه نخواهد بود. مخالفت گونزالس با استقرار ارتش های بیگانه در کشورهای منطقه حرکتی است مثبت و به نفع کاهش تشنج در منطقه . ولی دولت هند می باید در این امر پیگیر باشد و اجازه ندهد که ابرقدرت شوروی از کشورش بنبغ سیاست های توسعه

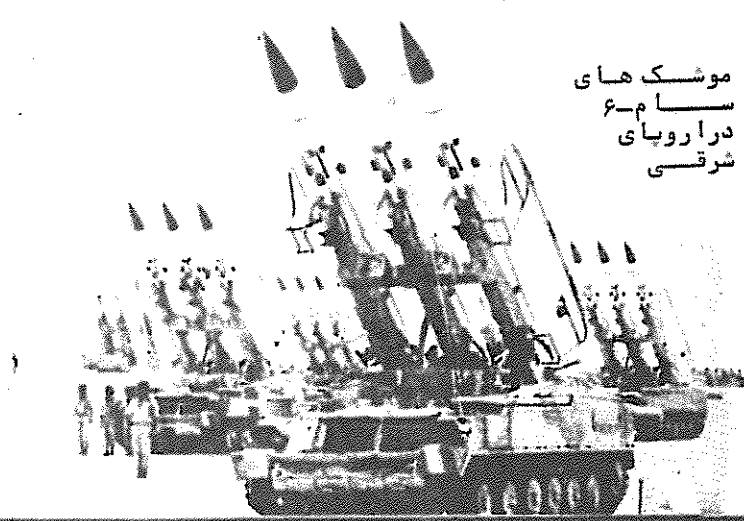
چین و هند هر دو جزء کشورهای جهان سوم می باشند . با وجود نظامهای مختلف اجتماعی ، دو کشور دارای منافع مشترک علیه سرکردگی و زورگویی ابرقدرتها میباشند . عادی شدن روابط هند و چین مطمئناً تاثیر مهمی در بلوک جهان سوم و بویژه در شرائط متشنج منطقه پس از تجاوز نظامی روسیه به افغانستان بجای خواهد گزارد . در ضیافتی که به افتخار

اریک گونزالس وزیر خارجه هند برای انجام یکسری مذاکرات با دولت جمهوری خلق چین وارد پکن شد و با هان ینال لانگ معاون وزیر امور خارجه چین در مورد برقراری روابط عادی میان دو کشور مذاکراتی انجام داد . سفر گونزالس به چین از اهمیت خاصی برخوردار است . از هنگام جنگ مرزی ۱۳۴۱ (۱۹۶۲) وضعیت غیر عادی در روابط هند و چین برقرار شد و ابرقدرت شوروی با استفاده از نفوذی که در هندت حاکمیت هند بود ،

که در هیئت حاکمه هند بر خوردار بود
دائماً اختلافات و جنگهای مرزی
میان دو کشور را دامن میزد.
گونزالس در بکن برگزار شد و دو کشور
چین و هند خواستار خروج ارتش
شوروی از افغانستان شدند. وزیر امور

۳ هزار سرباز به نیروی تهاجمی روسیه در اروپای شرقی افزوده می شود

موشک های
سام-۶
در اروپای
شرقی



رنجبر و خوانندگان

مسئولین درد کارگران را نمی فهمند

سلام به شما نمایندگان واقعی طبقه کارگر.
درویدی پایان زحمتکشان به شما گردانندگان نشریه رنجبر.
شما کسانی هستید که همیشه بفکر زحمتکشان و برای زحمتکشان کار میکنید.
من کارگر سازمان آب و برق منطقه ای شمال (وزارت نیرو) هستم. هدف از نامه اینست که چهار روز پیش من در کارگاه بودم که ناگهان یکی از دوستان من را دیدم که با چشمهایی پراز اشک وارد کارگاه شد و شروع به ناسزا گفتن به مدیر عامل کرد. من از او پرسیدم که چه شده چرا ناراحتی؟ او با ناراحتی رویم کرد و گفت میخواستی چه بشود؟ میخواستند مرا بزور باز نشتسته کنند و اضافه کرد که شانزده سال است که در این اداره کار کرده ام. تمام مدت بدون هیچ گونه تخلفی سر ساعت توی کارگاه حاضر شدم حقوق من هر چند خیلی کم است ولی هیچگاه اعتراضی نکردم من شش تا بچه دارم دو تا فرزند من هنوز مدرسه نرفته اند و فرزند بزرگتری هنوز درس خود را تمام نکرده است. در این مدت شانزده سال بچه های من از کمترین امکانات بهداشتی و رفاهی محروم بوده اند. تو را بخدا ببین من

بقرارگزارش مطبوعات خارجی رهبران کرملین اخیراً دست به افزایش و تقویت نیروهای نظامی خود در اروپای شرقی زده اند. طبق این گزارشات پس از تکمیل این برنامه تعداد ۳ هزار سرباز، هزار توپخانه و بیش از هزار و دویست تانک و زره پوش نفر بر به ۲۶ لشکر روسی در آلمان شرقی لهستان و چک اسلواکی افزوده میشود.

مهر سال پیش برژنف در سی امین سال تاسیس آلمان شرقی اعلام کرد که روسیه ۲ هزار تن از سربازان و هزار تانک خود را از آلمان شرقی بیرون خواهد برد. این بلوف سیاسی به بعضی از رهبران مدارا جو خوش باور اروپا فرصت داد تا اقدام روسها را بعنوان "حسن نیت" و "کوشش در راه تخفیف تنش و احیانا" "صلح" تلقی کنند و از کار گذاشتن موشکهای پرشینگ ۲ با برد متوسط و سایر تجهیزات دفاعی در اروپا طفره روند.
اما زهمان اول روشن بود که هدف روسها از این دست و دل بازی نه حسن نیت است و نه تخفیف تنش. نیروهای دوراندیش در همان موقع اهداف اصلی روسها در پشت گلوله های شکاری شان بوضوح دیده و بر ملا ساختند.

با حقوق و مزایا و حق مسکن که حالا میگیریم نمیتوانم خرج خانواده ام را بیرون بیاورم و همیشه مقداری از این وان و ویاز حقوق ماه آینده بعنوان کمک میگیرم. حالا با این گرانی سرسام آور که ما از خریدن میوه محروم هستیم، منو باز نشتسته میخوانند بکنند و میخوانند حقوق ۲۰ روز در ماه را بمن بدهند و مزایا و حق مسکن و اضافه کار قطع شود! منی که هنوز قسط خانه دارم میدهم من به کجا میتوانم بروم؟ کجا میتوانم کاری پیدا کنم برای من مرگ بهتر است تا خفت و خواری من چطور میتوانم پیش زن و فرزندمان خودم دست خالی برگردم؟

من بعنوان یک کارگر تودهنی زدن مدیر عامل و مسئولین امور به زحمتکشان را عملی مخالف اسلام و رهنمودهای امام خمینی در مورد کارگران و زحمتکشان میدانم و خود را مسئول میدانم که شدیداً با آنهایی که بدون درک درست از درد کارگران آنها را وادار به اخراج میکنند مخالفت کنم.

گرونیست کارگران (مارکسیست - لنینیست) کانادا می باشد.

تزارهای روسی میخواستند به اروپا و انمود کنند که اولاً "انیا" خواستار صلح اند و خطری از جانب آنها اروپا را تهدید نمیکنند، ثانیاً با ایجاد دو دستگی و نفاق در بین کشورهای اروپایی از کار گذاشتن موشک های "پرشینگ ۲" در خاک خود جلوگیری کند.

علاوه بر این حتی کشیدن هزار تانک و ۲ هزار سرباز از آلمان شرقی تغییر در قدرت تهاجمی روسها در اروپا و بلاتنیجه کاهش خطر نظامی روسها برای اروپا نمیداد. زیرا روسها موشکهای دورزن خود را بوضع آلمان شرقی در مرزهای اروپایی خود گمار گذاشتند که گماکان قادر به گوبیدن همان هدفهای خود در نقاط مختلف اروپا میباشد.

تقویت نیروهای جنگی روسیه در اروپای شرقی نشاندهنده تدارک و آمادگی وسیع این کشور برای شعله ورساختن جنگ جدیدی است. از طرف دیگر افزایش نیروهای نظامی سوسیال امپریالیسم روس در کشورهای زیر سلطه خود بیهودگی نظریه و روشکستتو افشا شده ای را که معتقد است میتوان از طریق گذشت، مماشات و عقب نشینی در مقابل شوروی به سرعت آورد بیس از پیش آشکار ساخت.

ما کارگران اخراج تدریجی کارگران را بعنوان جلوگیری از شکل کارگران بیکار را محکوم میکنیم. ما کارگران خواهان بازگشت کارگران اخراجی بدون هیچ قید و شرطی هستیم. ما کارگران از مسئولین امور میخوانیم که بایک امضاء سرنوشت کارگران را تعیین نکنند و اندکی هم به وضع زندگی خانواده، تعداد فرزندان و اینکه فرزندان آنها چه سنی هستند و اشتغال فرزندان یا عدم اشتغال آنها توجه شود.

توصیه من به مسئولین امور حزب رنجبران ایران اینست که آقایان علی صادقی و ایرج کسکولی شما تنها به درج این مطلب اکتفا نکنید، خواسته ما کارگران را برای مسئولین مملکتی بنویسید و خواستار رسیدگی آنها در این مورد بشوید. از شما میخوانیم که به حزب رنجبران ایران بخش گیلان دستور دهید که با بخش اعلامیه از اخراج حدود ۵۰۰ نفر از این وزارت خانه جلوگیری بعمل آورد. یک کارگر از سازمان آب و برق منطقه شمال. ۵۹/۳/۳۱

زین دست. با توجه به اینکه در حدود ۸۵ درصد از جمعیت در دوره شاه مزدور انجام شده، نه سرمایه ملی و نه مدیریت ایرانی، هیچکدام برای مجتمع حکمیت ندارند. در جایی که ایران ۱۶ میلیارد دلار ذخیره ارزی دارد چه دلیلی دارد که مسایل مالی این چنین واحدهایی را خود راساً به دست نگیریم و متوسل به سرمایه های امپریالیستی شویم؟ هر چند در شرایط فعلی دنیا، یعنی عصر امپریالیسم، نمیتوان از کشورهای امپریالیستی انتظار داشت که از یکی از اصلی ترین و بارزترین خصوصیات خود یعنی صدور سرمایه چشم پوشی کنند، اما باید در معامله با این کشورها متوجه باشیم که سرمایه ملی حاکمیت خود را بر سرمایه های این کشورها حفظ نماید و اساساً سرمایه های خارجی طبق نقشه کنترل شود.

اقدام ایران مبنی بر محدود کردن تعداد کارشناسان زابنی و استفاده از متخصصان یوگسلاوی اقدامی کاملاً مثبت بوده و در جهت دوری از وابستگی به یک کشور خاص است. مجتمع پتروشیمی بندر خمینی که تاکنون صد هشتاد میلیون دلار خرج احداث آن شده است به هیچ وجه نباید تعطیل شود. زاین بنا بر قراردادها پیش موظف است کار مجتمع را به پایان برساند. ایران باید مصرأ با تاکید بر منافع ملی ایران، زاین را وادار به اجرای قراردادهایش کند. در شرایطی که زاین حاضر به اجرای قرارداد نشد و یا سنگ بر سر راه اجرای طرح ها انداخت، ایران باید بیدرنگ در بازارهای دیگر جهان غیر از دو ابر قدرت جهان خوار آمریکا و شوروی - بدنیاال بیمانکار بگردد و هر چه زود تر کار این مجتمع را که اگر بدرستی از آن استفاده شود، اهمیت فراوانی در بکار انداختن صنایع کشور خواهد داشت، بسرساند. هم اکنون یوگسلاوی و رومانی، بخصوص یوگسلاوی آمادگی خود را برای اتمام ایسین پروژه اعلام کرده اند.

مجتمع پتروشیمی بندر خمینی اگر براه بیفتد و اگر سرمایه ملی و مدیریت ایرانی بر آن حاکم باشد، بخوبی قادر است نقش بسیار فعال و موثری در ساختمان اقتصاد ملی کشور ایفا کند. پس هر چه زودتر باید این مجتمع را به مرحله بهره برداری رساند.

ابو قدرت آمریکا در بحران دست پامیزند

یک میلیون ۷۰۰ هزار کارگر آمریکائی تنها در دو ماه فروردین واردی - بهشت به صفوف بیکاران پیوستند. اوج گیری بحران اقتصادی در آمریکا سبب کندی فعالیتهای تولیدی، کسادی بازار و در نتیجه بیکاری کارگران شده است. برای مثال کارخانجات اتومبیل سازی آمریکا در سال جاری ۳۷ درصد کمتر از سال قبل فروش داشته اند. فعالیتهای ساختمانی ۳/۶٪ کاهش یافته است. بحران در دیگر رشتهها نیز همچنان شدت میگیرد. عواقب فاجعه بار این بحرانها بیش از هر چیز برگرده کارگران و زحمتکشان سنگینی خواهد کرد. متورم شدن صفوف بیکاران بارزترین نشانه وخامت وضع کارگران آمریکاست.
سرمایه داران جهان خوار آمریکائی، برای جلوگیری از شدت یافتن بحران و کاهش سودشان مجبورند دست به اقدامات فوری و کوتاه مدت بزنند که نتیجه اش اگر در کوتاه مدت تسکین دهنده باشد، در دراز مدت نتیجه ای جز عمیق تر شدن تضادهای ذاتی سیستم سرمایه داری انحصاری آمریکا نخواهد بود. بانکهای آمریکائی در فاصله یکماه از آوریل تا مه مجبور شدند نرخ بهره وامها را از ۲۰٪ به ۱۳٪ کاهش دهند تا بدین ترتیب قدرت خرید آمریکائیان را افزایش داده و تاحدی موجب رونق بازار شوند.

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

صاحب امتیاز و سردبیر: فرامرز وزیری
مدیر مسئول: علی حجت

نشانی: خیابان انقلاب جنب سینما رویال
خیابان رامسر کوچه آراسته شماره ۱۷
دفتری پستی: تهران - صندوق پستی ۳۱۴ - ۱۳۰۱ منطقه پستی ۱۵
تلفن ۸۲۰۶۹۱ چاپ فصلت

آیا میراث‌های فرهنگی و هنری به مستضعفان تعلق ندارند؟

تفر مردم نسبت به دستگاه حکومتی افزود، چرا که عیاش خانه‌کیش با تاراج ثروت مردم مستضعف ایران ساخته شده‌بود و حال همین مردم مجبور بودند از خزانه مملکتی بار دیگر بهای خرید آنرا بردارند، مضافاً بر اینکه هیچ احتیاجی به خرید عیاش خانه نداشتند.

حال در مورد اطلاعیه اخیر چند مسئله مطرح میشود:

۱- تابلوها، فرشها و سایر اشیاء هنری که در نتیجه انقلاب مردم ایران در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفته قبلاً با تاراج ثروت همین مردم توسط طاغوتیان خریداری شده است.

۲- سرمایه بانک مرکزی متعلق به ملت ایران است در نتیجه دلیلی ندارد بهای خرید چیزی را بردارد که قبلاً از او به تاراج برده شده است.

۳- تابلوها نقاشی و سایر اشیاء هنری در بازار کشورهای سرمایه‌داری غرب با قیمتهای سرسام آور خرید و فروش میشوند و چنانچه

اطلاعیه شماره ۷ مورخ ۵۹/۳/۲۸ هیئت منتخب امام مستضعفان بطرز عجیبی در دو ماده مشابه، تکلیف اشیاء هنری (فرشها، تابلوها وغیره) و اتومبیل‌هایی را که در تملک بنیاد مستضعفان است روشن نمود! در یک ماده این اطلاعیه بانک مرکزی موظف شده‌است اشیاء هنری را خریداری کند، چون این اشیاء میراث فرهنگی محسوب میشوند و در ماده دیگری اتومبیلها را خریداری نماید و در اختیار نخست وزیری قرار دهد!

این اطلاعیه یکی از تصمیمات رژیم گذشته را تداعی میکند. در روزهایی که مبارزات مردم برعلیه محمد رضای منفور اوج میگرفت و درباریان دست و پایشان را برای فرار جمع میکردند، طی بخشنامه‌ای وزارت آموزش و پرورش، هواپیمائی ملی و شرکت نفت موظف شدند جزیره کیش را خریداری نمایند. در آن روزها این بخشنامه بشدت بر

سریعی بیفزاید. لکن روسیه مجبور است پیوسته قوای خسته و ضریبست خورده خود را از افغانستان خارج کرده و بجای آن قوای تازه نفرسوار کند، بخصوص که میدانیم روحیه نظامیان ارتش تجاوزگر خیلی زود سقوط میکند و باید آنها را توسط نظامیان جدید تعویض کرد. بنابر این، اگر خروجی در میان باشد، اساساً همین خروج قوای خسته و ضریب خورده برای جانشین کردن آنها توسط قوای تازه نفس است، که این امر به هیچ وجه بمعنی تخفیف حضور نظامی و مداخله روسیه در افغانستان نیست. از اینرو تبلیغ درباره خروج نیرو از افغانستان دروغ بزرگ زمامداران کرم‌لین است که عیناً مانند هیتلر فکر میکنند.

این دروغ‌های ناشایسته مسکو نشان دهنده ضعف و شکست‌های بی دریی آن‌ها در عرصه‌های مختلف نظامی، سیاسی و دیپلماتیک است.

در عرصه نظامی، ارتش تجاوزگر بیش از پیش در باتلاق جنگ توده‌های فرو میرود و نهضت مقاومت پیوسته قوی تر و متحدتر می‌شود.

در عرصه سیاسی، باقیمانده رژیم دست نشانده فرو می‌ریزد و جدالهای خونین میان دو گروه مزدور افغانی ("خلق" و "پرچم") بالا می‌گیرد.

در عرصه دیپلماتیک، دولت

بقیه روسیه دروغ.....
از صفحه ۱
لکن ماهمین دو هفته پیش شاهد بودیم که چگونه در برابرش پورش دلیرانه مجاهدین افغانی در گابل، روسیه به سرعت و شتابزده قوای تازه نفس به افغانستان برای سرکوب جنبش گسیل داشت (رجوع کنید به "رنجبر" ۲۲ خرداد). هم اکنون نیز، در برابر آدامه موج وار و گسترش جنبش، روسیه هیچ چاره‌ای جز تشدید تجاوز و تقویت حضور نظامی خود ندارد. بخصوص که چنانچه میدانیم حکومت پوشالی دست نشانده نیز بکلی متلاشی شده و از آن جز سایه‌ای کم رنگ چیزی باقی نمانده است، بطوریکه ببرک کارمل هم اکنون توسط "شیز" روسی خود زندانی است و اختیار جان خود را نیز ندارد.

متخصصین نظامی آمریکایی که خود تجربه طولانی جنگ تجاوز کارانه در ویتنام و هندوچین را دارند اظهار نظر کرده‌اند که روسیه برای جلوگیری از تصرف قدرت توسط مجاهدین افغانی ناگزیر است قوای اشغالگر خود را تا ۵۰۰ هزار نفر برساند. همه این شواهد و دلایل حکم براین دارد که روسیه نه تنها از تعداد نظامیان خود در افغانستان نخواهد کاست، بلکه حتی ناگزیر

حاصل دسترنج کارگران را در مرز متوقف نکنید

هزاران تن از زحمتکشان ایرانی ساکن کویت و شیخ‌نشین‌های اطراف خلیج فارس با مشکل بزرگی در زمینه وارد کردن دسترنج خود به ایران (بصورت ارز) روبرو گردیده‌اند.

"رنجبر" تاکنون چندین بار در این خصوص مطلب نوشته و هشدار داده است. ممانعت از ورود ارز این زحمتکشان که در سخت‌ترین شرایط و دوزخ وطن و خانواده خویش بکار مشغولند، نارضایتی عمیقی را در بین آنان بوجود آورده است.

دولت تاکنون هیچ گونه تمایز قابل ملاحظه‌ای در مقدار ارزی که (معمولاً) کارگران ایران ساکن خلیج فارس ریاال وارد میکنند) توسط این زحمتکشان وارد میشود یا سودجویی قاچاق‌چیان و دزدان بین‌المللی، قائل نشده است.

کارگران ایرانی ساکن شیخ‌نشین‌های خلیج فارس که از سالهای گذشته در اثر نبودن شرایط کار مناسب و عدم تامین خانواده راهی این کشورها شده‌اند همواره بشتیابان انقلاب بوده و در حد توانائی خویش نیز به امر انقلاب کمک رسانده‌اند. پس از انقلاب ساواکیها و طرفداران بختیار بیکار ننشسته و شروع به یاشیدن تخم شک و نفاق در دل این کارگران نمودند و با کمک پلیس کویت نیز مشکلاتی برای آنان فراهم آوردند. این کارگران که همه ماهه برای خانواده خویش مقداری پول می‌فرستند و یا با بازگشت خویش به ایران داروندارشان را می‌فروشند، در مرزها اغلب پولشان توقیف شده و موجهات سرگردانی آنان را فراهم آورده‌اند.

همانطور که تجربه ویتنام نشان داد، نباید فریب حیل‌های و ادعاهای پوچ و فریبنده تجاوزگران را خورد، باید هرگونه مداراجویی نسبت به تجاوزگران را بدور انداخت و عمیقاً اعتقاد داشت که تنها مبارزه پیگیر و جنگ توده‌های طولانی خلق افغانستان و گسترش هرچه بیشتر جبهه مقاومت ضد تجاوزگری شوروی و همبستگی با مردم افغانستان قادر است سرانجام، تجاوزگران را به‌زانو در آورد و به زانو در خواهد آورد.

ما در این رابطه، بار دیگر بر روی ضرورت حمایت مشخص مادی و معنوی جمهوری اسلامی که برای جنبش افغانستان اهمیتی ویژه دارد،

دولت باید هرچه زودتر تسهیلاتی در اینمورد ایجاد نماید تا کارگران ایرانی خلیج فارس و خانواده‌های آنان بتوانند با خیال آسوده دست رنج خود را وارد کنند. بی‌توجهی و اجحاف به این کارگران میدان وسیعی برای سوء استفاده عمال ابرقدرتها و یادی ریز و درشت آنان در خلیج فارس، فراهم میسازد. مقدار ارزی که باین وسیله وارد ایران میشود بهیچ‌رو قابل مقایسه با ارز وارده توسط قاچاق‌چیان و مزدوران بیگانه نیست و هرچه سریعتر باید این قوانین و قیود را برداشت.

تا کسی رانان و مشکلات آنها

تا کسی رانان از حق بیمه درمانی و بانستگی بی بهره‌اند

حسن ستوده ۵ سال است راننده تاکسی شده. دارای یک زن و دو بچه است و در خیابان اول نیروی هوایی با ماهی ۱۵۰۰ تومان کرایه زندگی میکنند. من شوهر تنندی هستم که ساعتی ۴۰ الی ۴۳ تومان کار میکنم. اما از ساعت بیشتر نمیتوانم کار کنم....

علی اصغر فلاحی ۳۹ ساله ساکن نظام آباد - من قبلاً در یک شرکت راهسازی راننده کامیون بودم ولی پس از انقلاب بیکار شدم که با داشتن یک زن و چهار بچه وضع خراب شد تا اینکه از ۷ ماه پیش بیکم فامیلهایم یک تاکسی خریدم والان بابت قسط آن ماهی ۴۰۰۰ تومان میپردازم روزی ۱۰ الی ۱۲ ساعت کار میکنم و ساعتی ۳۰-۲۵ تومان در میآورم. بهروزبیرزاد دیپلمه - من قبلاً

طرح جدید ترافیک از هفته گذشته در تهران اجراء شد و تغییراتی در وضعیت عبور و مرور مردم و وسائط نقلیه از جمله تاکسی و تاکسیرانان ایجاد کرد.

هدف از این نوشته نتیجه‌گیری از موفقیت یا عدم موفقیت طرح جدید نیست - اینکار را پس از گذشت مدتی بهتر میتوان انجام داد - بلکه مراد آشناساختن خواننده با وضعیت کارورندگی رانندگان تاکسی و طرح چند نکته در این ارتباط است.

اجرای طرح‌های رفیع نارسائیهای بی‌شمار جامعه ما که سالیان دراز جولانگاه غارتگریها و تجاوز بیگانگان و نوکران بومی آنها بوده اقدامی است لازم و بجا. لیکن دست‌اندرکاران این طرح‌ها باید بطور همه‌جانبه توجه کنند که اجرای این



در خط کرایه آذری کار میکردم - بعد مدتی باشخصی کار میکردم والان صاحب یک تاکسی هستم که بابت آن ۵۰۰۰۰ تومان بدهکارم و ماهی ۱۵۰۰ تومان فقط بهره‌میدارم. ساعات کار من از صبح تا ۱ و از ۴ تا ۱۰ بعد از ظهر است. کار کردم ساعتی ۲۵ تومان است. دختری رانمزد کدله مدتی است در

طرحها میتواند زمینه‌های بوجود آوردن نارسائیهای دیگری را در ارتباط با این وی‌آن بخش از مردم ایجاد کند و لذا برای رفع آنها نیز باید اقدام نمایند.

وضعیت کارورندگی بنابه‌گفته خود رانندگان تاکسی درآمد آنها در روز بطور متوسط با ساعت کار بیش از ۲۵۰۰ الی

بقیه دمکراسی در کارخانه ...
از صفحه ۱

نظام سرمایه‌داری شکوفا نیست بلکه نظام وابسته‌ای است که به‌همراه استثمار شدید امپریالیستی، ستم شدیدی را نیز در کنار خود دارد. این ظلم و ستم از خصوصیات تولید در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره است که در کشور ما بوده و همچنان حفظ شده است.

سرمایه‌داری وابسته ایران خصوصیات باره‌مراه خود فتووالیسم و مناسبات فتووالی را نیز با خود حفظ کرده است. بسیاری از ظلم و ستم‌ها و اجحافات متعدد ناشی از بقایای مناسبات و فرهنگ فتووالی است که توسط امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته‌ای آن علیه زحمتکشان بکار گرفته شده است.

دستگاه بوروکراسی کشور ما ارتیه‌شوم دیکتاتوری رژیم شاه مخلوع است و خصوصیات آنرا همچنان در خود دارد. دیکتاتوری بعنوان ابزار ضروری یک رژیم وابسته به امپریالیسم، با تشدید وابستگی رشد کرده و در کلیه شئون جامعه ما رسوخ یافت و بیش از همه علیه زحمتکشان بکار گرفته شد. مظاهر گوناگون این دیکتاتوری هنوز در موسسات مختلف جامعه ما از جمله در واحدهای تولیدی همچنان پابرجاست.

بسیاری از مدیران و سرپرستان جدید که پس از انقلاب بسر کار آمدند یا دارای سوابق بوروکراتیک و یا دارای خصایل تولید کوچک هستند و این خصوصیات بصورت اعمال فشار و محدودیت‌های غیردمکراتیک علیه کارگران و زبردستان ظهور میکنند. این مدیریت جدید حتی از بعضی لحاظ نسبت به برخی مدیران گذشته عقب‌گرا تر است زیرا برخی از مدیران گذشته بعلت سوابق آشنایی و یا تحصیل در مکتب سرمایه‌داری غرب آموخته بودند که برای استثمار کارگران شیوه‌های انحصارات بزرگ و گسترش برخی مناسباتی که خشونت سرمایه‌داری را می‌پوشاند بهتر است. در حالیکه مدیریت عقب‌گرای جدید مخلوطی از بقایای فرهنگ فتووالی استبدادی و بوروکراسی را اعمال میکند.

باز هم ناشی از ویژگیهای تولید کوچک، صاحبان صنایع و مدیران جدید در زمینه کارآئی در تولید، استفاده از تکنیک مدرن و استفاده از امکانات جدید برای رفاه کارگران

جه در زمینه ابزار تولید و یا در زمینه‌های مانند غذاخوری، باشگاه‌ها و ... سرمایه‌گذاری نمیکنند و خدمت آنرا به تولید، در عین کم کردن فشار بر کارگران نمیبینند. * بهمه این علل وجود هرچ و مرج و بی قانونی در کشور را باید افزود که به سرمایه‌داران، بوروکراتها، مدیران، سرپرستان سودجو امکان میدهد با استفاده از قدرت مراکز خودکامه و حتی نیروهای مسلح خصوصی دست به اعمال فشار و اجحافات بیش از حدی بزنند. و بسیاری عوامل و علل دیگر را هم میتوان اینجا و آنجا برشمرد. هم‌این علل و عوامل در مجموع آنچنان شرایطی در کارخانجات و واحدهای تولیدی کشور ما ایجاد کرده که روابط انسانی سالم و مناسبات دمکراتیک و بسه عبارتی دیگر "معنویت" بسادگی مورد هجوم قرار میگیرد. در چنین شرایطی کارگران روزی-روز شور و شوق خود را از دست میدهند و به کار تولیدی علاقه میشوند. چرا که تولید را تنها بدست کارگران و زحمتکشان و در محیطی آکنده از معنویت و سرشار از شور و شوق انقلابی میتوان بالا برد. برای آنکه زحمتکشان میهن ما حتی در چارچوب یک نظام سرمایه‌داری شکوفا به بالا

بردن کمیت و کیفیت تولید - علاقه‌مند باشند باید ظلم و ستم کنونی برداشته شود و آنها از امکانات مناسبی برخوردار باشند. - کارگران باید از لحاظ موقعیت شغلی خود تامین کافی داشته باشند و هر لحظه در معرض خطر تنبیه و اخراج قرار نگیرند. - روابط انسانی و معنوی صحیحی باید بین مدیران و سرپرستان با کارگران برقرار باشد. - از امکانات مناسبی از لحاظ وسایل تولید، کار، استراحت، غذا، و غیره برخوردار باشند. - بتوانند سندیگاها و تشکیلات مستقل خود را بوجود آورند و در آن آزادانه - نمایندگان خود را انتخاب کرده و از منافع خود دفاع نمایند. - حق داشتن و ابراز نظرات سیاسی و اجتماعی خود را داشته باشند و بتوانند در فعالیتهای اجتماعی دلخواه خود فعالیت نمایند. - حتی المقدور دارای امکاناتی چون باشگاهها و غیره و امکاناتی برای فعالیتهای فرهنگی و ... باشند. تامین این شرایط در موسسات تولیدی در وضع سیاسی کشور بستگی

دارد که علاوه بر ایجاد ثبات در اوضاع کلی کشور، مهمترین شرط در ارتباط با زحمتکشان و کارگران پذیرفتن عمیق آنها بعنوان یک نیروی موثر در جامعه از طرف حاکمین و لذا شرکت دادن آنها در قدرت سیاسی در سطوح مختلف میباشد. بدون حضور مستقیم کارگران و دیگر زحمتکشان در سطوح مختلف قدرت و نهادهای مملکتی آموزشهای کارخانجات و محله گرفته تا در سطح وزارتخانه‌های مربوطه و تاملجلس شورا ایجاد یک مرکزیت ملی و مردمی در مقابل هرج و مرج و چند مرکزیتی ممکن نیست. و بدون حضور کارگران و دیگر زحمتکشان در سطوح مختلف تصمیم‌گیری، شرایط کار زندگی آنان چه از لحاظ مادی و چه از لحاظ معنوی بهبود چشمگیری نخواهد یافت. ولی آنچه که اکنون در موسسات تولیدی ما جریان دارد ناشی از وجود یک نظام ظالمانه و استثمارگرانه است. انقلاب اسلامی ایران و اسلام مبارز، قول داده که نظام ظالمانه را بدست مستضعفین براندازد، این قول تاکنون یعنی یکسال و نیم بعد از پیروزی انقلاب حتی بطور محدود نیز عملی نشده است. از اینرو مبارزه برای درهم شکستن حاکمیت ستم و ظلم در کارخانه‌ها و مراکز تولید گماکان دردستور کار انقلاب ایران قرار داد.

دردهم و درمزن پدم زندگی میکنم. در آدم رانیز برای مخارج عروسی کنار میگذارم. رجب رود هقان - من قبلا کارمند اداره بودم ولی فعلا ۲ سال است که یک تاکسی خریدم و با آن کار میکنم تا مخارج خود و دوزن و ۸ نفر را تامین کنم. از ۷ صبح تا ۷ بعد از ظهر با ساعتی ۲۵ تومان کار میکنم. خانواده‌ام در ۲ خانه زندگی میکنند. بهر کدام روزی ۵۰ تومان خرجی میدهم و بابت کرایه هر دو منزل ۱۷۰۰ تومان میپردازم.

سختی آخر تجربه حرکت اعتراضی اخیر نشان داده است که رانندگان تاکسی از یک تشکیلات مطمئن و منظم صنفی بانامی زندگی واقعی و شناخته شده برخوردار نیستند. برآکنندگی در شیوه اعتراض، عدم انعکاس درست مسایل آنها در افکار عمومی و کمبود در متحد ساختن اکثریت نشان دهنده واقعیت مذکور بوده است. ایجاد تشکیلاتهای صنفی - سیاسی منسجم در دوران کنونی انقلاب ما، علیرغم کارشکنی ها و محدودیت‌ها از جانب عدهای امکانپذیر و ضروری است. بی توجهی نسبت بان وی در رویداد نگه داشتن آن زمینه‌یست برای نفوذ عناصر وابسته و ناشناخته در آن، وسیله‌ای برای منافع سودجویان که در مواقع بروز مشکلات و مسایل حاد نیز همان تشکیلات میتواند به مانعی برای رسیدن به خواسته‌های واقعی بسدل گردد. و حال آنکه ایجاد تشکیلات منظم توده‌ای و انتخاب نمایندگان واقعی برای اصناف مطمئن‌ترین سلاحی است که بوسیله آن میتوان احقاق حقوق حقه صنف خود را تضمین نمود و مناسبات خود را با جامعه و با دولت بطریق صحیح و اصولی حل کرد.

پرسش و پاسخ درباره:
تئوری سه جهان
در خانه جوانان انقلابی
سخنرانی و بحث هفته گذشته در جلسات هفتگی سازمان جوانان انقلابی در باره تئوری سه جهان ادامه دارد.
محل: میدان بهارستان کوچه نظامیه پلاک ۹۱
زمان: پنجشنبه ۵ تیر ماه ساعت ۴ بعد از ظهر
سخنران: محمد ارسى

